



کوشاکنگار
نسل جوان، گره گشای دوره های سخت و محنت های بزرگ است و وقتی وارد میدان می شود، گره های ریز و سخت گشوده خواهد شد

حکمرانی خوب شهری مسیری برای رسیدن به صلح شهری

موضوعی که می خواهم خدمتتان عرض کنم در ارتباط با صلح مثبت است، موضوعی که از بروز رویدادهای ناخوشایند جلوگیری می کند و در صورت عدم توجه به آن احتمال رخ دادن رفتارهای پرخطر اعم از دیوار نویسی های نامتعارف، آسیب زدن به اموال عمومی و در مواردی شدیدتر سزه کاری فرد یا حتی پیوستن به گروه های افراطی افزایش می یابد. خب اگر بخواهیم در جامعه افرادی حضور داشته باشیم که احتمال گرایش آنها به رفتارهای پرخطر کمتر باشد باید پای حرف آنها نشست، و با توجه به اینکه سنسین جوانی از بعد اجتماعی مهمترین پایه سنی یک فرد است می توان در این محدوده سنی به فرد هویت اجتماعی بخشید. خلاصت و انریزی نیز زمانی به اوج می رسد که فرد در سنین جوانی است، پس با توجه به این نکات طبیعی است که فرد در دوره جوانی خواسته هایی داشته باشد و این خواسته ها را مطالبه کند، خاستگاه مطالبات کمبودهایی است که ایشان درگیر هستند، خب البته منظور بنده این نیست که همه خواسته به حق است و افراد مطالبه گر استحقاق طلب خود را دارند، بلکه جنس حرف بنده چیز دیگری است. بلکه از جنس فرمایش مقام معظم رهبری در بین جوانان است که به مناسبت هفته جوان در سال ۷۷ فرمودند: "نسل جوان، گره گشای دوره های سخت و محنت های بزرگ است و وقتی وارد میدان می شود، گره های ریز و سخت گشوده خواهد شد." در حال حاضر سنسین ریز و درشتی وجود دارد که برای رفع آنها بهتر است از نیروی خلاق جامعه بهره برد. به عبارتی می توان گفت "جوان و آینده ای که می خواهد را خودش بسازد"

بر همین اساس می توان از مدل های موفق که برخی کشورها در این حوزه اجرا کرده اند استفاده کرد. تجربیاتی همچون پارلمان جوانان اروپا، انجمن شهر Whitehorse و با تجربه موفق NGO Restless Development و ساختارهای مشابه دیگری که مانند جوان محور هستند. جوان محور نه تنها بدان معنا که موضوع فعالیتشان جوانان باشد بلکه تمامی اعضای و حتی واحدهای مدیریتی آن جوان است. تجربه ای مانند انجمن Whitehorse را می توان بومی سازی کرد و از آن بهره برد. چرا که مدیران شهری دغدغه های بسیاری دارند. البته این راه هم عرض کنم که دغدغه جوانان باید دغدغه اصلی باشد اما تاسیس چنین مجمعی از این جهت دارای اهمیت است که دغدغه های جامعه توسط جوانان ملموس تر است چرا که رابط بین دو نسل است و راه حل های که از ذهن ایشان برآمده نیازهای آحاد جامعه به ویژه جوانان را بهتر از سایر می کند.

مانند می توانیم مجمعی ایجاد کنیم که در مرحله اول سیاست گذاری های عمومی را به آنها بسپاریم و طرح های کوچکی را به مدیران بالادستی جهت اجرایی شدن ارائه داد.

سیاست گذاری هایی همچون پرداختن به ایجاد محیط امن برای کودکان که بعداً گوناگون دوران کودکی را در بر بگیرد. این مجمعی می تواند به شناسایی محل های پرخطر بپردازد و با بهره گیری از برنامه های فرهنگی اعم از تبلیغات میدانی و اجرایی برنامه های فرهنگی به کاهش میزان میل به حضور افراد در این گونه محل ها بپردازد.

اگر بخواهیم مصداقی صحبت نمود موارد زیادی است ولی به ذکر همین دو مورد بسنده می کنم و اثرات مثبتی که می تواند چنین مجمعی روی زندگی افراد سالمند، معلولین عزیز و سایر اقشار آسیب پذیر داشته باشد. شورایی به یادماندنی که در ایران پایه ریزی کرد تا تمام آحاد جامعه از طرح ها و برنامه های این مجمع بهره ببرند.

از دیگر مزیت های چنین مجمعی، ایجاد تغییر در ناخودآگاه افراد است و تغییر این باور که کسی به حرف جوان گوش نمی دهد که این خود می تواند به مقوله آرامش درونی کمک کند چرا که این امید وجود دارد تا در صورت تلاش می تواند جای در مجمع داشته باشد. این مجمعی می تواند گوش شنوای مطالبات جوانان شهر و همچنین محلی برای فعالیت جوانانی است که خودشان می خواهند جامعه را بسازند.

خانه شهربان جوان در راستای بر طرف نمودن این نیاز اجتماعی مجمعی طراحی کرده که در صورت همراهی و حمایت سازمان های مربوطه به ویژه شورای محترم شهر تهران می تواند طرح خود را عملیاتی کند و قدم مهمی در تحول ساختار مرتبط جوانان شهر تهران و در نهایت کشور بردارد.

مطلب بالا من سخنرانی وی به عنوان نماینده جوانان در جلسه "صلح شهری" به میزبانی سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران و خانه شهربان جوان می باشد.

داشجوی دوره دکتری تخصصی رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری

عابدین سالاری اسکری | سردبیر هفته نامه «پدیده شهر» | زمان زیادی از استقرار شورای شهر پنجم و تیم جدید شهرداری تهران نمی گذرد. اگر از هر یک از آنان پرسیده شود که «مهمترین اولویت مدیریت شهری در شهر تهران چه باید باشد؟» پاسخ های متفاوت و متنوعی خواهند داد. آلودگی هوا، ترافیک سنگین، تأمین مالی شهرداری، مبارزه با فساد و رانت، بافت فرسوده، آسیب های اجتماعی و... چالش ها و اولویت های اصلی مدنظر آنها خواهد بود.



نگارنده به عنوان فردی که در دو سال گذشته از بیش از ۶۰ محله محروم شهر تهران (گرچه بر اساس آمارهای شهرداری ۶۳ محله محروم وجود دارد اما به باور من تعداد محلات محروم تهران به عدد ۱۰۰ نزدیک است) کوجه به کوجه بازدید کرده و با مردم آن محلات حرف زده و با تمامی شورایاران این محلات ساعت ها جلسه رودررو داشته ام، ضمن تأکید و تأیید مشکلات فوق در شهر تهران، عمیقاً بر این باورم که مساله و اولویت امروز شهر تهران «عدالت و نحوه ی توزیع منابع، امکانات و خدمات در آن است.

خود ۲ میلیون نفر از جمعیت شهر تهران (جز شریف ترین و بهترین ها محسوب می شوند) در این محلات زندگی می کنند.

این محلات علیرغم تفاوت هایی که با هم دارند در مختصات و ویژگی های زیر اشتراک دارند.

در این محلات، سهم مردم و شهروندان از سرانه های هفت گانه خدماتی در بسیاری از موارد صفر و یا حداقل است. این مساله به نوعی ریشه در تفکرات سوداگرایانه در اداره شهر تهران دارد.

در این محلات بخش عمده ی بافت کالبدی آنها (در برخی از این محلات تا هشتاد درصد) فرسوده و ناپایدار است، به نحوی که با کمترین شدت زلزله به صورت کامل فرو می ریزند. در حال حاضر نیز امکان خدمات رسانی به عنوان مثال آتش نشانی یا جمع آوری زباله به دلیل معابر تنگ و باریک در بسیاری از آنها

از آنها ایجاد یکسری سرای محله، اساساً کار عمرانی و زیرساختی خاصی انجام نداده است. همین مساله یکی از دلایل عقب ماندگی تاریخی این محلات است به نحوی که در برخی از این محلات قیمت ملک و مسکن، و حتی بیشتر، نسبت به محلات مجاور در صدمتری آنهاست.

بنابراین می توان گفت صرف نظر از فقر اقتصادی و معیشتی که به نوعی محصول عملکرد اقتصاد کلان ملی و عملکرد دولت هاست، سایر و جوه فقر محصول کار کرد و عملکرد مدیریت شهری بوده است.

در هندسه ذهنی گردانندگان جدید شهر تهران چه جایگاهی دارد. ما به سهم اندک خود خواهیم کوشید مطالبه گر این مساله در تهران باشیم.



مسئول اول؛ عدالت

اولویت اول: شورا و شهرداری تهران چه باشد؟!

رابطه «پایداری درونی» شورا و قدرت نظارت آن بر شهرداری



مورد بررسی و انتخاب قرار می گرفتند، به طور قطع و یقین گزینه دیگری رئیس شورای شهر تهران می شد این مساله از آنجا اهمیت دارد که به دلیل اختیارات ویژه رئیس شورا تا حد زیادی اقتدار شورا با اقتدار و کارکردهای رئیس شورا رابطه مستقیم دارد. (در یادداشت جداگانه به فرایند های انتخاب شهردار و رئیس شورا خواهیم پرداخت)

مورد بررسی و یقین گزینه دیگری رئیس شورای شهر تهران می شد این مساله از آنجا اهمیت دارد که به دلیل اختیارات ویژه رئیس شورا تا حد زیادی اقتدار شورا با اقتدار و کارکردهای رئیس شورا رابطه مستقیم دارد. (در یادداشت جداگانه به فرایند های انتخاب شهردار و رئیس شورا خواهیم پرداخت)

شورا، داشتن روحیه کار جمعی در درون شورا و اجرای دقیق آیین نامه و قانون در شورا باشد. ۲- در بعد بیرونی، رئیس شورا باید «هم قد و اندازه» نجفی شهردار تهران (از حیث تجربه و تسلط)، دارای آشنایی کامل با فعالیت در محیط شهرداری تهران با مختصات و پیچیدگی های خاص آن، دارای توانایی مقاومت در برابر فشارها و قدرت های بیرونی موثر بر شورا، دارای قنوه رای در حد و اندازه «چمران» به عنوان نماد سابق شورا... باشد. اگر بر اساس معیارهای فوق، چند نفری که در مظان مختصات یادشده قرار دارند،

۱- در بحث انتخاب نمایندگان

۲- در بحث تقسیم مناطق

۳- در بحث تقسیم مناطق

کمیسیون ها برای استناد شورایی به گونه ای عمل شد که نهایتاً ۳ عضو ستاد (یعنی اکثریت) با لابی از اعضای یک حزب سیاسی انتخاب شدند. ۲- در بحث کمیسیون مساده ۱۰۰ سبزه گونه ای لابی صورت گرفت که تمامی اعضای یک حزب به همراه افرادی که به آنها نزدیک بودند، رای آوردند. ۳- انتخاب نمایندگان شورا در شوراها بالادستی، انتخاب روستای برخی کمیسیون ها و... بر اساس لابی و نه بر اساس مزیت نسبی اعضای صورت گرفت. برای فهم دقیق تر ریشه های ناپایداری درونی شورا، شناسایی صف بندی های درونی آن ضروری است. که در یادداشت جداگانه به صورت مفصل به آن خواهیم پرداخت.

نظارت مهم ترین کارکرد شوراست. «ظنرات کارآمد» محصول و خروجی شورای مقتدر است. مولفه های متعددی در ایجاد اقتدار و انسجام شورا موثرند. «پایداری درونی» زمینه ساز اقتدار و انسجام شورا است. بدین معنا که، چنانچه قرار گرفتن اعضای شورا در پست ها و مسئولیت های درونی و بیرونی شورایی اساس و مولفه؛ «عدالت» و «مزیت نسبی» اعضای صورت پذیرد، شورا به پایداری و پویا (دینامیک) نزدیک تر است. شورایی که پایداری درونی دینامیک دارد، می تواند ناظر مقتدر و موثری بر شهرداری باشد. حال سوال اساسی این است که آیا شورایی پنجم شورایی واجد پایداری درونی است یا خیر؟!

۴- در بحث تقسیم مناطق

۵- در بحث تقسیم مناطق

۶- در بحث تقسیم مناطق

۷- در بحث تقسیم مناطق

۸- در بحث تقسیم مناطق

۹- در بحث تقسیم مناطق

۱۰- در بحث تقسیم مناطق

۱۱- در بحث تقسیم مناطق

۱۲- در بحث تقسیم مناطق

۱۳- در بحث تقسیم مناطق

۱۴- در بحث تقسیم مناطق

۱۵- در بحث تقسیم مناطق

محصور بین دیوارهای یادگان

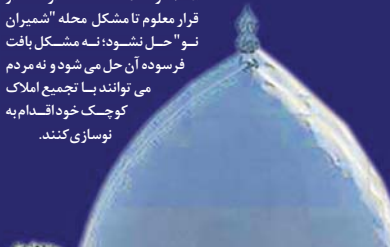
«شمیران نو» تنها نام اعیانی دارد. در گذشته نه چندان دور قرار بود تا این محله در زیر درختان سر به فلک کشیده جنگل های لویزان شمیران شرق تهران شود. اما گذر زمان تنها این محله را به روستایی مدرن شده با تئو بافت فرسوده و ساخت و سازهای غیر مجاز تبدیل کند. محله ای که دیوارهای بلند یادگان نیروی دریایی از تنش حصری است که از سه طرف از آن راه بین بست رسانده است. دبیر شورایی محله شمیران نو درباره مضضلات یادگان گوهر می گوید: «... یکی از مهمترین مشکلات محله شمیران نو مربوط به یادگان گوهر است... این یادگان محله را بین بست کرده است... دیوارهای بلند یادگان که در آن سوی آن نیروی دریایی ارتش قرار دارد از ضلع جنوب و غرب این محله را بین بست کرده است...»

«شمیران نو» محله قدیمی است که بافت مسکونی قدیمی آن در قسمت های مرکزی محله همچنان باقی مانده است و قسمت های شمالی آن که قیلاباغ ها و زمین های کشاورزی بوده است به بافت مسکونی محله اضافه شده است... این محله تا خیابان ۱۲ ادامه دارد و از شمال به بوستان جنگلی "لویزان" متصل می شود... از غرب به یادگان "گوهر"، شرق به "هنگام" و در جنوب محله نیز قیلاباغ و زمین های شرکت واحد توپوسرانی شهر تهران بود که بعداً قسمتی از این زمین ها به نفع مردم به بوستان "غدیر" یا همان بوستان "شرکت واحد" تبدیل شد... یوسفی درباره مضضلات یادگان گوهر که در محله "شمیران نو" توضع می دهد: «... از سال ۹۱ خیلی پیگیری کردیم برای خروج یادگان. در این سال در بین اهالی شمیران نو آقای قلیاباغ قول دادند که این یادگان جمع آوری می شود. اما متأسفانه این اتفاق نیفتاد... قبل از یادگان "قلعه مرغی" موضوع جمع آوری یادگان "گوهر" مطرح بود... در سال ۹۲ شهردار منطقه آقای کریمی صحبت های اولیه را انجام داده بود... در آن زمان مقام معظم رهبری با خروج این یادگان موافقت کرده بود و ما این خبر را به اهالی دادیم و اتفاق خاصی نیفتاد...»

خانه های بدون سند «شمیران نو»

اکثر خانه های شمیران بدون سند است... املاک این محله با استفاده از دو ماده قانونی ۱۴۷ و ۱۴۸ می توانند با دوندگی و تلاش صاحب سند شوند... در واقع اداره اسناد این منطقه چند مالک قدیمی را می شناسد که زمین های این محدوده به نام آنها بوده است... این افراد زمین ها را قطعه بندی کردند و بعداً فروختند... آن زمان قولنامه ای زمین ها فروخته شده است. در گذشته تمام زمین های این محدوده یک سند مادر داشته است... اما مشکل اینجاست افرادی که در اینجا زندگی می کنند از مالک اصلی ملک خود را خریداری نکرده اند، بلکه از اشخاص دیگری زمین های خود را خریده اند... دبیر شورایی محله "شمیران نو" درباره تلاش های انجام شده برای رفع مشکل سند املاک این محله توضیح می دهد: «... در سال ۹۲ در رابطه با بافت فرسوده جلساتی را با سازمان نوسازی داشتیم و آخر نیز تفاهمی با اداره اسناد منطقه شد و آنها نیز قول دادند که طبق ماده ۱۴۷ و ۱۴۸ اسناد املاک این محدوده را صادر کنند؛ اما مسئولان اداره اسناد اعلام کرده اند باید مالکان از صاحب سند اصلی رسیدگی داشته باشند و متأسفانه اکثر افرادی که در این محدوده زندگی می کنند چنین رسیدگی را از صاحب سند اصلی ندارند و مالک اولیه زمین های این محدوده نیز الان در دسترس نیست و دنبال رفع مشکل مردم نیست...»

آطور که دبیر شورایی محله "شمیران نو" می گوید: ۴۰ سال است که این زمین ها فروخته شده است و از سال ۱۳۴۰ مردم شروع به ساخت و ساز در این محدوده کرده اند و مادر طول یک دهه اختیار نخواستیم برای واحدها جمع و نوسازی بگیریم و به همین خاطر ساخت و ساز در این محدوده متوقف شده است... تنها راهش این است که اداره ثبت، شورای شهر، مجلس، شهرداری و شورایی به یک نتیجه برسند تا مشکل اینجا حل شود. البته صاحبان اصلی برخی از قسمت های محله را ما توانستیم پیدا کنیم و از سال ۹۲ به این طرف نزدیک به ۳۰۰ مالک توانستند سند بگیرند اما ۹۰ درصد محله بسند ندارند... از قرار معلوم تا مشکل محله "شمیران نو" حل نشود، نه مشکل بافت فرسوده آن حل می شود و نه مردم می توانند با جمع املاک کوچک خود اقدام به نوسازی کنند.



آنها استاد عیادی، مالکان اصلی "شمیران نو" هفت برادر بودند که آنها را با نام برادران "جعفری" می شناختند. بافت روستایی محله تا سالهای نزدیک به انقلاب اسلامی یعنی دهه ۱۳۵۰ حفظ شده بود و در دهه ۳۰ برادران "جعفری" زمین های خود را به دکتر "محمد علی منصور"، دکتر "کامران فرد شیشه" و آقای "صابر بیوک" فروختند این افراد نیز شروع به تفکیک و کوچک کردن زمین ها و اراضی کرده و سپس به ارکان های دولتی و مردم واگذار کردند. این محله منطقه زراعی و جز زمین های مرغوب تهران بوده و اغلب غلات و حبوبات در آن کشت می شده است و درصد قابل توجهی از مصارف مردم را تامین می کرده این منطقه در زمان اصلاحات ارضی از تصرف مالکان اصلی بیرون آمده و به دست منصوبان حکومت درآمد که آنان در آنجا ویلاهای باغی احداث و تفریحگاه تاستانی برای خود درست کردند. قبل از اینکه اراضی این منطقه تفکیک شده و به مردم واگذار گردد، قرار بود "شمیران نو" محله ای اعیان نشین باشد مثل شمیران، اما با تقسیم اراضی بین مردم تنها نام محله اعیان نشین برای آن باقی ماند.

زمین بزرگ محله در اختیار معاندان

کش مکش شورایی محله با شهرداری منطقه دست آخر نتیجه ای در نداشت به جز اینکه این زمین بزرگ به مکانی امن برای کارتخواب ها و معاندان تبدیل شود و چهره محله "شمیران نو" را زشت کند... در حال حاضر کارتخواب ها در این زمین بزرگ زندگی راحتی دارند... چند وقت پیش در بین وسایل کارتخواب ها قلم پیدا کرده اند...»

«شمیران نو» محله ای فاقد سرای محله

«شمیران نو» از جمله محله هایی است که هر چند سرای محله ای به نام این محله ساخته شده است، اما به گفته اهالی محله بود و نبود آن برای اهالی محله فرقی ندارد. بسیاری این محله در خارج از محله و حتی ناحیه ای که محله در آن قرار گرفته است، قرار دارد. همین مساله باعث شده تا اهالی "شمیران نو" یا ندانند که سرای محله شان در کجا واقع شده است و یا اینکه یک بار هم که شده سری به آن بزنند. به رغم این مشکل، در پایین میدان "یاکدامن" که تنها میدان و خیابان اصلی محله است، یک زمین خالی ای قرار دارد که تا کنون شهرداری منطقه راضی به واگذاری این زمین به شورایی برای انجام فعالیت های اجتماعی و فرهنگی نشده است... یک فضای در ضلع جنوبی خیابان یاکدامنی قرار دارد که اکنون ۴ سال است رها شده و به محل تجمع معاندان شده است... وجود این زمین خالی امنیت محله را به مخاطره انداخته است... قرار بود این زمین به یک پارکینگ محلی تبدیل شود تا مردم بتوانند از آن استفاده کنند... محله "شمیران نو" یک محله بی بضاعت است که مردم آن نمی توانند شیبی ۵ هزار تومان هزینه پارکینگ دهند... شهرداری نیز طبق مصوبه شورای شهر تهران این زمین را به یک پیمانکار داد تا پارکینگ بسازد، اما این کار انجام نشد... یکی از مضضلات محله "شمیران نو" در اطراف میدان اصلی این محله وجود وانت بارهای میوه فروشی است و البته نبود جای پارک باعث شده تا خیابان اصلی محله شبانه روز ترافیک سنگینی را تجربه کند... ما اینجا معضلی وانتی های میوه فروش را داریم و گفتم که وانتی ها را جمع کنند و این زمین خالی را به یک بازار روز تبدیل کنند تا وانتی ها محصولات خود را در این بازار روز عرضه کنند... شهرداری موافقت کرد و نزدیک به ۴۰ تا ۵۰ وانتی را به این زمین منتقل کرد... به دو هفته نکشید که از هم پاشیده شد... چند ماه است که با شهرداری درگیر هستیم و اعلام کرده ایم که این فضا را به شورایی محله بدهند...»



ورود کارگاه‌های تولیدیه

داخل بافت مسکونی محله

ورود کارگاه‌های تولیدیه به داخل بافت مسکونی محله یکی دیگر از آسیب‌هایی است که در «شمیران نو» وجود دارد. تمام خیابان‌هایی که امکان ورود خاور و یا تخلیه بار داشته باشد، برخی از مالکان اقدام به اجاره ملک خود به کارگاه‌های تولیدی کرده‌اند. برخی از این خانه‌های مسکونی به کارگاه میل‌سازی جلوی رشد و توسعه مشاغل مزاحم رادر این محله گرفته‌اند، اما این محله به پاتوقی برای توسعه مشاغل مزاحم تبدیل شده است...



بافت «شمیران نو» روستایی است

اهالی محله از عدم توزیع عادلانه سازه‌های خدماتی و امکان نوسازی بافت فرسوده گلایه مند هستند. با آنها که وارد صحبت می‌شویم اعتقاد دارند که شمیران نو یک روستای مدرن شده است که کسی باور نمی‌کند چنین محله‌ای در خوش آب و هوا نیز بین نقطه تهران قرار دارد. اعتقاد داریم هر چند مردم در زمینه خرید زمین‌های این محله به صوت قولنامه‌ای اشتباه بزرگی مرتکب شده‌اند اما شهرداری هم کارهای فرهنگی و اجتماعی در این محله انجام نمی‌دهد... به شهرداری می‌گوییم که زمین‌ها و املاک وها شده‌اند این محله را به شورایی تحویل دهد. تا بتوانند کارها و برنامه‌های فرهنگی در آن برای مردم انجام دهند. اما پاسخ شهرداری همیشه این بوده است که این زمین‌ها در درجه اول باید برای شهرداری درآمندی داشته باشد...



زندگی فقیرانه ۴۵۰ خانوار

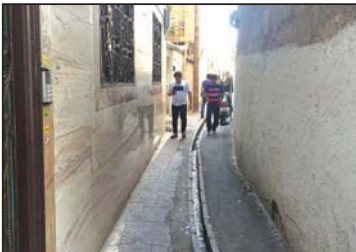
بی بضاعت در «شمیران نو»

آمارهای شورایی محله شمیران نو نشان می‌دهد که ۴۵۰ خانوار بی بضاعت که در آمد آنها از بر خط فقر است در این محله زندگی می‌کنند که البته از این تعداد تنها وضعیت ۲۱۱ خانوار ثبت رسمی شده‌اند. وقتی ما این تعداد خانواده بی بضاعت در محله داریم که به نان شب خود محتاج هستند، آن وقت شهرداری به دنبال درآمندی از زمین‌ها و املاک رها شده محله است. در ماه رمضان قرار بود شهرداری ۳۰ سبد کالا برای توزیع بین خانواده‌های بی بضاعت تحویل شهرداری محله دهد، اما این تعداد به ۱۵ سبد کالا تبدیل شده که شورایی محله شمیران نو از دریافت این سبد‌ها خودداری کرد... چرا که توزیع ۱۵ سبد کالا بین ۴۵۰ خانوار بی بضاعت عملی نشدنی بود...



دعوا بر سر جای پارک!

متأسفانه تعداد خانواده‌های بی بضاعتی که هیچ منبع درآمدی ندارند در شمیران نو زیاد هستند... اگر سرای محله شمیران نو در آمد ثابتی داشته باشند هر ماه می‌توانیم به این خانواده‌ها کمک کنیم... از شهردار منطقه درخواست کردیم تا بودجه‌ای برای کارهای فرهنگی و اجتماعی در این محله در نظر بگیرد اما می‌گویند که زمین خالی‌های محله باید پارکینگ شود و درآمد داشته باشد و در آمد آن نیز به حساب شهرداری منطقه ریخته شود... اگر این زمین‌های خالی به در محله «شمیران نو» نخورد به درد هیچ چیز دیگری هم نمی‌خورد... اینجا به خاطر نبود جای پارک دعوا می‌شود. اکثر خانه‌ها حداقل یک خودرو دارند و برای پارک خودروهانشان گاهی با هم درگیر می‌شوند. ما می‌گوییم که اینجا پارکینگ شود و از آنها شبی دو هزار تومان بگیرند اما می‌گویند طبق مصوبه شورای شهر هزینه پارکینگ شبی ۵ هزار تومان است و خانواده‌های ساکن این محله که وضعیت درآمدی خوبی ندارند نمی‌توانند این هزینه را بابت جای پارک پرداخت کنند...



«شمیران نو» یک محله کم‌برخوردار

در چند سال اخیر شهرداری تهران در بررسی محله‌های کم‌برخوردار، محله «شمیران نو» را جزء ۵۳ محله محروم شهر تهران قرار داد. اما همین تفکیک هم باعث نشد تا برنامه‌هایی برای بهبود وضعیت این محله از سوی شهرداری منطقه اجرایی شود. «محله «شمیران نو» را شهرداری به عنوان یک محله کم‌برخوردار نامیدند... یک نام دیگر به نام‌های این محله افزوده شد... در بحث‌های خدمات شهری، فضای سبز، ترافیکی کارهای زیادی شهرداری منطقه انجام داده است، اما متأسفانه یکی از دلایلی که این محله کم‌برخوردار بوده است، مسائل فرهنگی و اجتماعی بوده است... حداقل در یک سال اخیر کار فرهنگی و اجتماعی در این محله انجام نشده است... محله «شمیران نو» یک سرای محله قوی می‌خواهد و الان ندارد... با این محله ما یک پارک برای ۱۷ سرای محله داخل این بوستان است... این سرای محله نمی‌تواند به این محله بی بضاعت خدمات ارائه دهد... ما یک ساختمانی داخل محله پیدا کردیم که مالک آن بابت زمینش پولی نمی‌خواهد، اما به این دلیل که در شهرداری بدهی دارد تهاتر می‌کند... این ساختمان به دارایی‌های شهرداری اضافه می‌شود و ما می‌توانستیم در این زمین به مردم خدمات ارائه دهیم... اگر از مردم پرسید سرای محله کجاست، نمی‌دانند... نه داخل محله و نه داخل ناحیه قرار ندارد و برخی اوقات نیز ما را داخل سرای محله راه نمی‌دهند... مشکل ما فرهنگی و اجتماعی است...»

جنوب و شمال محله فرسوده است

با یک نگاه کلی می‌توان بافت فرسوده و حتی ساخت و سازهای غیر مجاز را در محله خوش آب و هوای «شمیران نو» به خوبی شناسایی کرد. شمال و جنوب محله در تسخیر بافت فرسوده و ساخت و سازهای است که یک شبه مانند قارچ از زمین سرپیر می‌آورند... به خاطر اینکه نوسازی در این محله انجام نمی‌شود، اکثر ساخت و سازها غیر مجاز است... دو نقطه بافت فرسوده وجود دارد که یک قسمت از آن، از خیابان یکم تا سوم یا همان «هشت متری اسلامی» است و یک نقطه دیگر نیز در شمال محله و محدوده خیابان «شقایق» قرار گرفته است... فقط داخل کوچه‌های محله را نگاه کنید، می‌بینید که وضعیت بافت فرسوده چگونه است. تا زمانی که مشکل سند املاک این محله حل نشود، بافت فرسوده نوسازی نمی‌شود. ما مشکل ساخت و سازهای غیر مجاز را داخل این محله داریم... باز هم تکرار می‌کنم تا زمانی که مشکل اصلی حل نشود قطعاً این ساخت و سازها روبرو هستیم... بافت فرسوده یکی از معضلات بزرگ این محله است و تا زمانی که مسئولان قدم بردارند تا مشکل سند این محله حل نشود اتفاق خاصی نمی‌افتد...

اگر دیوارهای یادگان «کوهک» برداشته شود...

اهالی محله «شمیران نو» اعتقاد دارند اگر دیوارهای یادگان «کوهک» برداشته شود کل محله از این بیست خارج می‌شود... به نظر می‌رسد مساحت این یادگان چیزی در حدود سه برابر وسعت محله است... در حال حاضر داخل این یادگان خالی است و داخل آن کار تجاری انجام می‌دهند... به این صورت که زمین این یادگان را به عنوان انبار به بیش از یک هزار و چهارم دهه... اگر دیوار این یادگان برداشته شود مشکلات محله حل می‌شود... با یک سرمایه‌گذار نیز صحبت کرده ایم تا در این محدوده شهرک‌سازی کند و برای نوسازی بافت فرسوده محله وارد مذاکره شوند...

محله‌ای پر از کوچه‌های تنگ و باریک!

محله «شمیران نو» پر شده از کوچه‌های تنگ و باریک که گاهی عرض برخی از آنها به یک متر نیز نمی‌رسد و داخل این کوچه‌ها که مانند دالان زندان می‌ماند، ملک‌های کوچک کنار هم قرار گرفته‌اند... داخل کوچه‌های باریک یک متری ۵ خانواده زندگی می‌کنند... هر چند از نظر آب و هوایی «شمیران نو» یکی از بهترین محله‌های شهر تهران است، اما بافت فرسوده این محله از نظر شهرسازی وضعیت بدی دارد... اینجا آبار تمان‌ها نهایت متری یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان تا دو میلیون تومان به فروش می‌رسند... از شواهد پیداست که روال نوسازی و یا ساخت و ساز در محله «شمیران نو» بر مدار قانونی پیش نمی‌رود... خانه‌هایی که پنجاه نوسازی می‌کنند بر اساس طرح تفصیلی پیش نمی‌روند... خیلی از خانه‌های نوسازی اینجا جواز ندارند... خانه‌های ۲۰ متری در اینجا زیاد دیده می‌شود... وقتی یادگان از این محله برداشته شود یکسری از امکانات شهری در این محله ایجاد می‌شود... الان مردم در کمسیون رفع خطر می‌توانند جواز بگیرند...





زندگی چند خانواده در قوطی کبریت‌ها ۵۰ متری

۱۵ خیابان پاکدامن به عنوان «شمیران نو» یک راسته بازاری است که به یک مرکز تجاری در شرق تهران تبدیل شده است. «بازار خرید اینچاز» «هنگام» به سمت میدان و از میدان به سمت «خیابان دوازدهم» ادامه دارد. بالای این خیابان دیوار یادگان قرار دارد از جنوب محله تا شمال محله دیوار یادگان گوهر قرار گرفته است. بعد دو نقطه بافت فرسوده را به توافق می‌رسیدند یک خانه ۵۰ متری برای ۴ خانواده است... هر چند اهالی محله تصور می‌کنند با برداشته شدن دیوارهای یادگان و جذب سرمایه گذار برای شهرک سازی در زمین آن رونق را به محله بازی می‌گرداند، اما معابر تنگ و باریک «شمیران نو» به هیچ عنوان گنجایش پذیرش جمعیت دیگری را در این محله ندارد. «... زمانی که اتوبان شهید «زین الدین» را می‌ساختند قرار بود این بزرگراه از داخل شمال محله که بافت فرسوده دارد، بگذرد و البته اگر این اتفاق می‌افتاد یادگان «گوهرک» نیز تعیین تکلیف می‌شد... متأسفانه شهرداری تهران تصمیم گرفت تا این اتوبان از داخل جنگل لویزان بگذرد... اگر این اتوبان از داخل محله رد می‌شد، هم خانه‌های فرسوده خریداری می‌شد و هم یادگان گوهرک تعیین تکلیف و محله از بن بست خارج می‌شد...»

ایجاد اشتغال برای زنان سرپرست خانوار

۱۶ بیکاری جوانان این محله مانند جاهای دیگر تهران زیاد است، اما تعداد بالای خانواده‌های بی سرپرست و یا زنان سرپرست خانوار باعث شد تا شورایی محله به دنبال ایجاد اشتغال برای این خانواده‌ها باشند. «... در این محله مردم با حداقل هاز زندگی می‌کنند... زنان کارهای خانگی انجام می‌دهند... قرار بود شهرداری فضای را در اختیار ما قرار دهد و با یک فرد نیکوکار نیز وارد صحبت شدیم تا با سرمایه گذاری اشتغال برای زنان سرپرست خانوار ایجاد کنیم... اما هنوز شهرداری این فشار را در اختیار ما قرار نداده است...»



ساخت و ساز غیر قانونی تنها راه حل ساکنان «شمیران نو»

۱۷ اکثر ساخت و سازهایی که در محله «شمیران نو» انجام می‌شود: «... یکی دیگر از مشکلات محله «شمیران نو» «خانه‌های پشت‌قباله‌ای است... به این صورت که طرف خانه ۱۰۰ متری داشته قسمت جلو را ۵۰ متری جدا کرده از بغل یک راه ۲۰ متری ایجاد کرده و ۵۰ متر پشت و فروخته است... ۷۰ درصد از خانه‌های «شمیران نو» پشت‌قباله دارد به این خاطر که مالک به پول نیاز داشته و قسمت پشت را فروخته است... خود مالک در ۵۰ متر باقیمانده زندگی می‌کند... اینجا مستاجر زیاد است و همین اتفاق نیز مشکلات املاک این محله را زیاد کرده است... سال ۶۰ اتفاق هاز یاد روی داده است... قدم به قدم محله «شمیران نو» «کوچه‌های باریک و تنگ وجود دارد و اکثر خرید و فروش املاک داخل محل نیز بین ساکنان انجام می‌شود و کسی از بیرون نمی‌آید تا مالکی را در این محله خریداری کنند...»

دبیر شورای محله «شمیران نو» ادامه می‌دهد: «... از شهرداری منطقه خواستیم تا تسهیلات نوسازی ویژه‌ای به این محله ارائه دهد... در یکی از خیابان‌های اینجا کنار هر خانه یک کوچه تنگ وجود دارد... تمام خانه‌های اینجا غیر قانونی ساخته شده است و شهرداری در کمیسیون رفع خطر مجوز دادند و این کمیسیون برای یک خانه ۵۰ متری ۲۰ تا ۱۰ متر مجوز ساخت می‌دهد... مالک ۲۰ متری می‌سازد و مابقی را غیر مجاز می‌سازد بعد پرند ملک به ماهه ۱۰۰۰ رستاده می‌شود و در این کمیسیون نیز وقتی می‌بیند بیشتر از حد مجاز ساخته شده ۱۰۰ میلیون چربی می‌کند، اما با چربی هم کردن مگر کار درست می‌شود؟ خانه ۴۰ متری ۵ طبقه ساخته است... اهالی محله از سرمایه‌گذاری که در محله شتایق ساخت و ساز انجام دهد استقبال می‌کنند... الان جلوی ساخت و ساز گرفته شده است... کوچه‌هایی با عرض ۹۰ سانت یکی دیگر از مشکلات این محله نسبتاً قدیمی است... ۷۰ درصد «شمیران نو» کوچه‌های تنگ و باریک است... مشکل محله ما زیر بنایی است و با دادن یک دستور حل نمی‌شود... مردمی که ملکشان داخل کوچه‌های باریک است برای حمل وسایل خانه از این کوچه‌ها مجبور هستند از کوئیلر استفاده کنند...»

مشکل جوی‌های محله «شمیران نو»

۱۹ جوی‌های قدیمی که پر از زباله و موش است یکی دیگر از مشکلاتی است که اهالی محله «شمیران نو» به آن اشاره می‌کنند: «... یکی از مشکلات محله جوی‌های آب آن است... داخل جوی‌ها پر از زباله‌هایی است که مردم داخل آن می‌ریزند... به دلیل کوچه‌های تنگ و باریکی که در این محله قرار دارد، مخازن جمع‌آوری زباله در این محله وجود ندارد و موش‌ها داخل جوی‌های آب باهم مسابقه می‌دهند تا به خیابان دوازدهم «شمیران نو» نرسند... ساخت و ساز غیر مجاز هم در اینجا زیاد است... شهرداری نظارت می‌کند اما مردم می‌سازند... اینجا کارگاه زیاد است... الان خونه در ۳۰ متر ۵ طبقه می‌سازند... از نظر سراسری فضای سبز مشکلی نداریم و یک در مانگا داریم و بیمارستان الغدیر را هم خارج از محله داریم...»

محله‌ای با ۱۵۴ شهید

۲۰ اینجا رقرار بود شمیران دیگری در شرق تهران زیر جنگل‌های لویزان شود، اما تنها نامش برای محله باقی ماند: «... آب و هوای عالی ای دارد اما فقط آسمن خوب است... این محله ۱۵۴ شهید داده است... یکی از کوچه‌های ۱۴ شهید داده است، اما متأسفانه کسی به اینجا رسیدگی نمی‌کند... خیابان‌های اینجا استاندارد نیست و همه مشکل دارد... فقط کسی خیابان استاندارد داریم... اینجا یک روستای مدرن شده است... کلاشهرداری دیدشان به شورایی بد است به رغم اینکه مردم در محله ما را می‌شناسند... ما می‌گوییم امکانات محله را برای خود محله هزینه کنند... ۱۲ شب مردم در خانه‌ها می‌آیند...»

تنها ورزشگاه محله هیات امنایی اداره می‌شود

۲۱ چند سال پیش سه مادر شهید ساکن کوچه شهید «زمان کاظمی» از شهردار منطقه خواستند تا مسئولان این معبر را به سازی کنند اما کاری انجام نشد تا اینکه اعضای شورایاری محله صاحب‌ای بارسانه‌ها انجام داد و فردای آن روز آسفالت این خیابان به سازی شد: «... باید سراسری محله را به داخل محله بیاوریم... مردم سراسری محله «شمیران نو» را نمی‌شناسند... چون داخل محله نیست و در جنوب محله و بیرون از محله قرار دارد کسی استفاده نمی‌کنند... اینجا مردم برای تفریحی به پارک شتایق می‌آیند و یک ورزشگاه داریم که هیات امنایی است به نام شهدای «شمیران نو» ماهانه ۷۰ میلیون در اسد دارد و نامی دانم این مبلغ را کجا خرج می‌کنند... اختیار این ورزشگاه دست ما نیست... این ورزشگاه شخصی نیست... این مجموعه ورزشی زمین آن را زمانی که احمدی نژاد شهردار بود صاحب آن آمد و می‌خواست تخلیه کند در آن زمان ۳ میلیارد تومان احمدی نژاد داد تا ورزشگاه بماند... الان هنوز جزو املاک شهرداری نیست و زیر نظر تربیت بدنی است... تمام جماعات راهبات موسس گذاشتند و یک هیات امنار مشخص کردند و این هیات امناموروثی شده است... یک نفر از شورایی راه راه نمی‌دهند درآمد ورزشگاه در حساب ورزشگاه است...»



افزایش مهاجران افغانی در محله «شمیران نو»

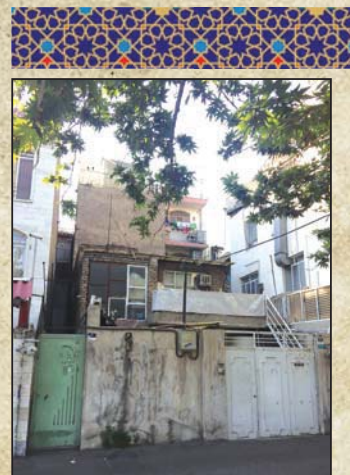
۲۲ آنتور که دبیر شورایی محله «شمیران نو» می‌گوید: «مردم این محله از نظر اقتصادی به سه دسته تقسیم می‌شود... نخست: کسبه «شمیران نو» و افرادی که تنها محل کسب و کارشان در این محدوده است... دوم: قدیمی‌های «شمیران نو» و دسته سوم مهاجرانی هستند که از شهرهای مختلف و حتی از کشورهای همسایه به این نقطه مهاجرت کرده‌اند... در محله ۸ مدرسه و ۹ تا مسجد داریم و این تعداد برای محله «شمیران نو» زیاد است... در مدرسه‌های این محله ببینید چند دانش‌آموز افغانی زندگی می‌کنند برای اینکه خانه‌های اینجا ارزان است و مالکان به راحتی به افغانی‌ها اجازه می‌دهند...»

مرکز خرید و فروش مواد مخدر!

۲۳ میدان «پاکدامن» میدان مرکزی محله «شمیران نو» است که به گفته اهالی محله به جولانگاهی برای مواد فروشان تبدیل شده است: «... میدان اصلی محله شمیران نو کاملاً مشخص است و این میدان اصلی به یکی از مراکز خرید و فروش مواد مخدر تبدیل شده است... بیشتر افرادی که دور و اطراف میدان می‌ایستند مواد فروش هستند... در همچین محله‌هایی مطمئن باشید افرادی که اعتیاد دارند و خانواده‌هایی که معتاد دارند بسیار زیاد است... مشکل اعتیاد در بین جوانان و افراد مسن در این محله زیاد یک قسمتی از پارک «شتایق» یا قوی برای زنان و مردان معتاد شده است و این وضعیت واقعا افشاح است... نیروی انتظامی آنها را اسامانده می‌کند اما بعد دوباره به محل برمی‌گردند... تا دلتن بخواهند اینجا کنار تنخواب زندگی می‌کند که از جاهای دیگر به این محدوده می‌آیند... وقتی یک محله ای در زمینه اعتیاد اسم در کرده باشد معتادان به سمت همان محله می‌آیند...»

سند معبر و انت‌های میوه‌فروشی در میدان مرکزی محله

۲۴ اگر ماموران سند معبر روزها در میدان اصلی محله نباشند؛ حتماً ترافیک این محله قدیمی را قفل می‌کند: «... روزها وانتی‌های میوه‌فروشی داخل میدان نمی‌ایستند... سند معبر معطل ۳۰ ساله میران نواست... سال گذشته شهردار ناحیه صبح‌تاب ماشین سند معبر را داخل میدان گذاشت و وانتی‌ها جمع شده‌اند، اما از ساعت ۸ شب به بعد دوباره می‌آیند چون از این ساعت به بعد باید نیروی انتظامی نظارت کند و چون نیرو ندارند دوباره میوه‌فروش‌های وانتی به میدان می‌آیند... ۵۰ درصد از میوه‌فروش‌های محله ساکن محله هستند اما مابقی از محله‌های دیگر مانند «خوران» و «قیام‌دشت» و «مشیریه» می‌آیند چون بستر این کار آماده است...»



خدمت رسانی به "گلایدره" برای شهرداری سوادنگ

سوزده بن شماره به مردمی اختصاص پیدا کرده که حتی از گفت و گوهای تکراری و به قول خودشان کلیشه ای، با اهالی رسانه و مطبوعات خسته شده اند. محله ای که گرچه جزئی از منطقه یک شهرداری تهران محسوب می شود و در قریب برق و گاز نشان این موضوع تأیید شده است که زیر مجموعه شهرداری هستند، اما از کمترین امکانات رفاهی برای زندگی بر خوردار نیستند. ساکنان محله از ابتدای سکونت با اعتصاب هم تنوانستند مطالبات خود را پیگیری کنند اما همچنان برای زیستن در زمین هایی که سختی اش را به جان می کشند تلاش می کنند. گویا منفعت شهرداری تهران نیز در نایده انگاشتن این محله محروم است چرا که از این محدوده منفعتی نیز عایدش نمی شود!

محله گردی در "گلایدره" و تهیه گزارش مردمی از این محله اگر چه با سختی هایی همراه بود، اما نگاه سنگین اهالی به نیم خیری حکایت از ناتوانی داشت. از وسط کوچه های تنگ و باریک، نهر های باریکی از آب سر ازیر است؛ که بوی خوش بندی دارند. برخی از نهر ها نیز که عریض تر هستند تنها با تکه هایی از چوب پر شده اند و خطر لیز خوردن می دارند. اغلب در کنار منازل کسبه های زباله ای به چشم می خورد که بار لحظه امکان بارشیدن آن توسط گربه های کمین کرده وجود دارد. در کوچه "شبنم" پسر بچه ای از آب آجر به دست، کنار خانه منتظر است تا گربه نزدیک تر شده و آجر را حواله اش کند. انگار مراقبت از کسبه های زباله کار همیشگی اش شده است.

ابتدای کوچه های تنگ و باریک محله، گونی های زباله ای به چشم می خورد که از باقی مانده سبزی های پلاسیده، پوست های سبزی جاتی مثل لوبیا و باقالی پر شده است. محتویات گونی ها را می توان از بوی نامطبوعشان تشخیص داد. زنانی که به صورت تیمی و دسته ای گوشه هایی از کوچه تنگ و باریک را اشغال و در حال تمیز یا خرد کردن سبزی هستند، سبزی مورد نیاز مردم منطقه تجریش از میدان مرکزی تهران بین زنان بخش و آنان حاصل کارشان را در قالب محصولات خانگی و بهداشتی، هر روز صبح در محله تجریش می فروشند. این محله حدود ۱۶۰ زن سرپرست خانوار دارد که با همسر خود راز دست داده یا با معلولیت و از کار افتادگی همسر روبرو هستند. این زنان چاره راه دیگری برای تأمین معاش خانوادگی نداشته و به تنهایی در کنار نگه داری از فرزندان، کارهای خانه و بیرون از منزل و انجام می دهند.

دست به دعا برداشتن برای جمع آوری زباله

زن میانساله در کوچه "شبنم"، همانطور که لگدن از گوشه میبایا پلاستیکی اش به زمین خاکی و آسفالت نشده می زند، بلند بلند اعتراض می کند: «... مگر کسی تا به امروز صدای اهالی را شنیده است، تا کی باید در مورد مشکلات صحبت کرد؟ تا امروز حتی از صدا و سیما هم در مورد مشکلات محله گفتند و همه از مشکلات ما با خبر هستند. پس وعده های شهرداری چه شد؟ زباله های تمام کوچه ها یکی در میان جمع آوری میشود. اصلا برای مسوولان اهمیتی ندارد که این همه زباله ی زمین مانده ممکن است باعث مریضی شود. بچه های محل جایی برای بازی ندارند و همین کوچه ها هم که تنها امیدشان است، همیشه از زباله پر است. اگر خود اهالی دلسوزی کنند و زباله ها را به خیابان اصلی ببرند که دعای خیری بدرقه راهشان می کنیم در غیر این صورت باید برای آمدن کارگری که با فرقون برای جمع کردن زباله ها به کوچه های آید دست به دعا شویم.»

پرداخت زیرمیزی برای ورود مصالح ساختمانی بدون کیفیت! گرچه از نگاه شهرداری تهران، تنها ۴۰ درصد از بافت محله، فرسوده به حساب می آید، اما با یک نگاه کلی می توان فهمید که نزدیک به ۹۰ درصد از محله فرسوده بوده بیش از ۵۰ درصد از کوچه ها و معابر تنگ و باریک هستند و حتی ممکن است با زلزله ای کوچک، تمام ساختمان های مسکونی تخریب و یک فاجعه جبران ناپذیر به بار آید. تب و تاب ساخت و سازهای غیر اصولی در "گلایدره" آفتاب بالاست که همچنان خرید و فروش ملک و زمین در لایه لای آگهی های پر زرق و برق املاکی های محل، به چشم می خورد. ساختمان های بدون کیفیتی که به گفته اهالی یک شبه و با مصالح بدون کیفیت (بخوابید چسب دوقلو) ساخته می شوند و با هزاران ترفند نیز به فروش می رسند، در حالیکه از کمترین اصول ایمنی تبعیت نکرده اند. تنگ بودن معابر و انبوهی بودن کوچه ها باعث شده تا در صورت هر نوع حادثه مثل سیل، زلزله یا آتش سوزی، امکان تردد خودروهای امداد رسانی نیز نباشد و آمار تلفات بالا رود. وجود گشت های نمادین محسوس و غیر محسوس کنترل ورود مصالح ساختمانی توسط خودروهای سنگین باریکی به محله نیز چندان راهگشا نبوده و با پرداخت های زیرمیزی، وجود رابطه و پانده بازی های رایج، مصالح بدون کیفیت و درجه پایین وارد این محله می شود.

کابوس نوسازی بافت های فرسوده!

محمد رضا ترابی گودزوی دبیر شورویاری محله که به خوبی از درد و مصائب مردم باخبر است، می گوید: «بیشترین ساخت و سازهای بی رویه از سال ۱۳۷۲ شروع شده و تا سال ۱۳۹۰ به اوج خود رسید و ساخت و سازهای غیر مجاز زمین خواران گرفته شد که البته هنوز به صفر نرسیده است. در حال حاضر ۹۰ درصد از خانه های اهالی قولنامه ای و فرسوده بوده و مابقی سند دارند. نزدیک به ۴۵ تن از ساکنان این محله زمین های قولنامه ای بسیاری می شود؛ با وجود اینکه ساکنان با ممنوعیت ساخت و ساز در محله مواجه اند و این ها پیشان در پهنه آ ۲۱۲، قرار گرفته یعنی در این پهنه بندی امکان نوسازی وجود نداشته و هرگونه ساخت و ساز ممنوع است اما باز شاهد ساخت و سازهای یک شبه و پنهانی از سوی سودجویان هستیم. این در حالی است که مردم گلایدره حتی یک شت خواب راحت ندارند و همیشه در هول و ترس و قوع زلزله یا هر بلای طبیعی دیگر به سر می برند. محله هم درست زور آلودی شکل شده و ظاهر بد شکلی گرفته است.» او به تک تک مشکلات اشاره و تأکید دارد که از تمام معضلات تصویر سازی شود، مثل یک پدر دلسوز برای فرزند، در مورد گلایدره و اهالی این محله می کند: «با وجود تمام این اهالی محله که از خطرات زلزله می ترسند، هیچگونه طرح تشویقی یا حمایتی برای تغییر این بافت از سوی شهرداری تهران اعمال نشده است و شهرداری تنها به ۴۰ درصد از ساختمان مجوز ساخت و ساز می دهد در حالیکه این میزان برای سازندگان مالک این مقرن به صرفه نیست. طرح های هم از سوی شورویاری محله برای نوسازی بافت های فرسوده داده شده که با انتقال موقت جمعیت ساکن به باغ ملک، کار نوسازی بافت فرسوده انجام شود اما متأسفانه این طرح با وجود عملیاتی و مقرون به صرفه بودن، پیگیری و دنبال نشد.»

کوچه بازمینی بازی کودکان؟

حضور بچه های قد و نیم قد در کوچه های تنگ و باریک نیازی به دقت ندارد. دختر و پسر کنار یکدیگر با کمترین امکانات می خندند. گریه یا دعوا می کنند. دختر بچه سه ساله ای که با چغ و داد در شیب بلند کوچه پنهانی سعی در بر کرسی نشاندن حرف خودش دارد. تیمی از پسر بچه با بساط خاله بازی دختر ها را به هم زده اند و آشک تک تک دختر ها را در آورده اند، با اینحال بعد از تسلیم شدن بساطشان را روی پله یکی از خانه ها پهن و آسبزی نمادین و غذا دادن به عروسک باشان را شروع می کنند. پسر ها که حالا موفق شدند زمین بازی راز آن خود کنند گاهی با توپ فوتبال، سفره خاله بازی دختر ها را به هم می زنند و یاز دعوا و سر و صدایشان از سر گرفته می شود. اگر شانس با بچه ها یار باشد و نهری از کوچه شان عبور نکرده باشد، شاید لای بازی تنها سرگرمی کودکانی باشد که اجازه ندارند در کوچه های دیگر بازی کنند. حتی مجبور هستند گاهی به خاطر تردد اهالی از این کوچه های کم عرض، وقفه ای در بازی ایجاد کنند. حتی حضور و بازی بچه ها در این کوچه ها هم خیال پدر و مادرها راحت نمی کند چرا که وسیله نقلیه عمده اهالی موتور و حتی دوچرخه بوده و با سرعت زیادی در کوچه ها تردد میکنند. نگرانی خانواده ها از نبود زمین بازی مناسب برای کودکان یکی از بزرگترین دغدغه های اهالی گلایدره است. تنها زمین چمن مصنوعی گلایدره هم به گفته جوانان محله همیشه توسط جوانان اعیان نشین چارمان اشغال است و جدای از آن توان پرداخت اجاره زمین برای تمام جوانان امکان پذیر نیست.



نامانی در پارک محله و نگرانی خانواده ها

خانم "حسرو" زنبیل بزگش را به سختی از شیب تند کوچه همراه خود می کشاند و نفس نفس می زند با اینحال می خواهد در مورد مشکلات محله ای که به گفته خودش، خاکن را خورده صحبت کند. «... از وقتی به یاد دارم محله بسوی کثیفی، فاضلاب و زباله می دهد. تصمیم دارم با امضای اهالی نامه ای برای اداره محیط زیست بنویسم تا شاید فرجی شود... سالهاست که قول اتصال سیستم فاضلاب به آگوی سراسری را دادند اما خودمان خوب می دانیم که چقدر این کار در طولی منزلت ممکن است چه تعداد از مسابایی خانمان کند؛ پس ما باید چه کنیم؟ اگر امکان حل مشکلاتمان نیست پس چرا مسوولان هر از چند گاهی وعده و وعیدی می دهند و ما را دلگرم می کنند؟ کارگر شهرداری هم انگار مشکل بینایی دارد چون بعضی از زباله ها جمع آوری نمی شوند. دلخوشی ما هم همین کوچه هاست که حالا از جوی های آن موش و سوسک هم بیرون می آید. اصلا وقتی تابستان می شود ماتم می گیریم چون تمام مشکلات صد برابر می شود. از چپتی فشار آب بسیار کم است و بعد از ذخیره شدن در تانکر قابل استفاده است. اینجا همیشه صدای داد و دعوا و بچه ها را می شنویم و هر روز یکی از مادر ها برای جسد کردن بچه ها هم ریش سفیدی می کنند و از فراد باز همان آش و همان کاشه. حتی بیشتر خانواده بچه ها اجازه نمی دهند ناز پارک محله استفاده کنند. از اذل اوباش زیاد دارد. با اینحال حرف پسر بزرگم نمی شوم و نمی توانم در خانه یا کوچه سرگرمی کنم. وقتی با دوستانش به پارک محله می رود دلم مثل سیر و سرکه می جوشد و هر زمان منتظر شنیدن صدای زنگ تلفن و خبر بد هستم. یاز بچه های کوچک با پانه های مختلف در خانه یا حتی کوچه سرگرم می شوند. اما دختر و پسر هایی که بزگتر یا لجنجاری می شوند و به سن بلوغ می رسند را نمی توان در محله محدود کرد، آنوقت معلوم نیست در کنار چه مشکلاتی می شوند... در کنار تفریح بچه ها، نبود مدرسه برای دبیرستانی ها هم در دسر ساز شده است...»



سبیه جاهد علیان

شهر تهران سبزی به محله "آماز زاده قاسم" یا "دریند" زده باشد. به طور حتم در میانه راه به تابلوی "گلایدره" نیز برخورد کرده اید و یا حداقل یکی از روزهای تعطیل هفته سبزی به پارک "سورتمه" در شمال این محل زده یا از ایستگاه های گونزوی سبزی "استگلخی" برای تفریح استفاده کرده اید. بله؛ "گلایدره" در مجاورت پارک دره، از بیلاق های خوش آب و هوای شمال شرقی تهران محسوب می شود که در گذشته زیر مجموعه "آماز زاده قاسم" بوده و از سال ۸۵ طبق مصوبه شورای شهر تهران به عنوان یکی از محلات مجزا انتخاب شده است. "گلایدره" از شمال به سلسله جبال کوه های البرز، از جنوب به محله "آماز زاده قاسم" از شرق به محدوده "جماران" و از غرب به محله "دریند" و پارک "سورتمه" که زیر مجموعه "باغ شاطر" است منتهی می شود.

اما لازم است مطلع شوید که تمام محله "گلایدره" به این طبیعت چشم نواز خلاصه نمی شود؛ اگر بخواهید روبرو برای ارضای کنجکامی هایان تأمین کنید و راز این نقاط تفریحی و زیبای محل فراتر بنگرید باید خودتان را برای دیدن سکونت گاه های محروم و فقیر نشین آماده کنید. خانه هایی کوچک با مترها پایین که به علت قرار گرفتن در نقاط ارتفاعی و کوهستانی در کوچه های بسیار تنگ و باریک واقع شده اند. اینجا از نماهای ساختمانی لوکس، سنگ ها، تزیینات و برج های خیره کننده، خبری نیست. خانه های مخروبه آ آجری و بلکنی، کوچه های تنگ، معابر باریک، پله های خراب و گرم خورده زمین های رهشده و معضلات ریز و درشت زیادی ذهن کجی می کند.

ساخت و ساز در محله "گلایدره" قدمت چندانی نداشته است. قبل از سال ۱۳۴۸ در بخش شمالی این ناحیه تعدادی کله دار به صورت بیلاقی و قشلاقی زندگی می کردند؛ اما از اواسط سال ۱۳۶۰ به بعد به دلیل نزدیکی به محله تجریش، آب و هوای خوب و ارزش آن قیمت بودن ملک در مقایسه با سایر محلات، مهاجرت را به صورت آهسته توسط طایفه های مقیم لرستان شروع شد. بعد از آن، آذری زبان های مقیم اردبیل، میاندوآب، شاهین دژ، ساوه و به خصوص مشکین شهر، مهاجرت خود را به این محل از سر گرفتند. اگر چه برخی از اهالی به دلیل داشتن نسبت قابلی از نقاط زندگی با یکدیگر دارند و هم شهری بودند نشان باعث شده تا بیشتر هوای یکدیگر را داشته باشند اما بسیاری از ساکنان نیز سرشان در لاک خودشان بوده و ترجیح می دهند که حتی با همسایه های دیگر هم رفت و آمدی نداشته باشند. در حال حاضر "گلایدره" به چند بخش تقسیم شده است: قسمتی از سه راه "گودزوی" میدان "شنانیا" و بخشی از میدان "نورالهدی" یا "آب" محلات اولیه هستند که قبل از سال ۱۳۶۰ شکل گرفته و چهارراه "سعیدی" سنگ دوقلو و "معدود" نیز پس از این سال احداث شده است. حال گلایدره ای که در بهترین نقطه از شهر تهران واقع است، با معضلات فراوانی که پایه و اساس آن در مهاجرت های بی رویه ساخت و ساز های غیر مجاز و بدون اصول است، سر و کار دارد.

محتاج به نان شب در محله گلایدرها

رضا ترابی گودرزی، مدیر محله "گلایدره" به خوبی به محله اشرف دارد و در مورد مشکلات ریز و درشت آن توضیح می دهد: «... مشکلات مربوط به زنان سرپرست خانوار، زنان بدسرپرست و بی سرپرست، زنان چاق، جمع آوری زباله و ساماندهی مشاغل کاذب از جمله دغدغه های مهم در طرح سنجش عدالت محله مدنظر قرار گرفته شده است. البته مشکلات گلایدره بسیار پیچیده تر از این موارد است، معضل اعتیاد بسیار مشهود است که اگر چه با برگزاری کارگاه های، برای اطلاع رسانی به خانواده ها در حوزه پیشگیری از گرایش به اعتیاد، اقداماتی به صورت جسته گریخته انجام می شود، اما در حال حاضر، نزدیک به ۷۰۰-۶۰۰ خانوار درگیر معضل اعتیاد هستند و افراد معتاد زیادی هم برای شناسایی نشدن در این محله کوچک، از خانه ها بیرون نیامده و برای ترک هم اقدامی نمی کنند؛ حدود ۱۰۰ خانوار در محله زندگی می کنند که محتاج نان شب هستند و با سیلی صور نشان را سرخ نگاه داشته اند. زنان سرپرست خانوار زیادی در سطح محله با مشکلات فراوان روبه رو هستند، با اینحال تنها صندوق قرض الحسنه فعال در محله کمک های بلاعوض متعددی به این افراد می کند و ریزنی هایی نیز با کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی صورت گرفته تا پوشش هایی برای حمایت این دسته از افراد نیازمند در نظر گرفته شود؛ خبری هم از محلات نزدیک بخش شمیرانات برای کمک اقدام می کنند اما از سوی مردم ساکن در محله "کوهستان" یا "گلایدره"، "کوهستان"، هیچ کمکی به این محله نمی شود. در حالیکه محله "کوهستان" از مجموعه "گلایدره" است ولی مردم این محله تمایلی به برقراری ارتباط با اهالی "گلایدره" نداشته و البته امکانات، رفاه و شرایط زندگی متفاوتی نیز دارند. او با اشاره به عملکرد شهرداری در این محله اگر چه به اقدامات محدودی اشاره می کند اما آن را کافی و در شان و جایگاه اهالی شهرداری منطقه یک نمی داند. «... شهرداری به خصوص در ۵ سال گذشته تنها به جمع آوری مودی زباله در سطح محله اقدام می کرد اما حالا با احداث سرای محله، سوله مدپریت بحران و چمن مصنوعی اقداماتی را انجام داده است که البته هر کدام از این امکانات نواقص متعددی دارند؛ در واقع صرف ایجاد امکاناتی برای شهروندان به تنهایی کافی نیست بلکه باید نواقص و مشکلات حاشیه ای آن نیز مدنظر قرار گیرد. به عنوان نمونه اگر چه پارک فرامحله ای "سورنمه" و پارک سنگلاخی "گلایدره"، حریم گوه را بسته و سرانه فضای سبز خوبی را ایجاد کرده است اما ناامنی و آسیب های اجتماعی زیادی در این فضاها مشاهده می شود. در حالیکه تامین امنیت گردشگران و حتی اهالی محله گلایدره در این محدوده از ضروریات است...»



ترک تحصیل به خاطر نبود مدرسه!

در حال حاضر تنها یک مدرسه دخترانه ابتدایی در محله گلایدره فعال است و تنها مدرسه ابتدایی پسرانه نیز به بهانه نوسازی و ایمن نبودن، حدود ۵ سال گذشته تخریب شده و با توجه و بهانه نبود اعتبار و بودجه، همچنان بلا تکلیف است. خانواده هایی که برای تحصیل فرزندانانشان در مقاطع بالاتر راغب هستند، بچه ها را در مدارس محله تخریب، قیطر به بیابانوران ثبت نام می کنند که البته تعدادشان بسیار محدود است. خانواده های زیادی نیز به ترک تحصیل بچه ها راضی شده و از آنها برای مشاغل کاذب مثل دستفروشی، پاک کردن سبزی و ... تشویق می کنند. شاید به همین دلیل است که طبق سنجش عدالت محله، حدود ۵۰ درصد از جمعیت ساکن، بی سواد یا کم سواد بوده و فقر فرهنگی و آموزشی هستند؛ اگر چه آمار دقیقی در مورد تعداد افراد بی سواد وجود نداشته و درصد زیادی از اهالی برای دادن اطلاعات شخصی خود مقاومت می کنند اما با همکاری نهفت سواد آموزی، حدود ۲۰۰ نفر از اهالی هر سال برای سواد آموزی در محله اقدام و مراجعه می کنند. فقر فرهنگی و آموزشی در میان مردمی که از روستا به شهر و محله گلایدره مهاجرت کرده اند، در اولین نگاه مشهود است. خانواده های زیادی لباس های شسته شده را روی پنجره یا طناب های مشرف به کوچه های تنگ پهن کرده و چهره ناخوشایندی را ایجاد کرده اند.



از بخشنامه نصفه و نیمه مبارزه با رانت میلیاردری تا عوام فریبی تبلت های میلیونی

فرآید (پیمانکار شهرداری یا شهروندی که ملک وی در نتیجه ی طرح های توسعه شهری تملک شده است) از شهرداری طلب مالی دارد. فرآید B (شهروندی که برای عوارض ساخت و ساز ملک خود باید به شهرداری پرداخت مالی کند) را در نظر بگیرید. قاعده منطقی این است که پروژه مربوط به فرآید A بر اساس معیارهای اقتصادی و عمرانی با هزینه های مناسب انجام شود و بعد از پایان و تحویل پروژه به صورت نقدی حق و حقوق خود را از خزانه شهرداری دریافت کند. فرآید B نیز برای پرداخت عوارض ملک خود به شهرداری مراجعه کرده و بعد از محاسبیات قانونی مبلغ آن را در حسابش از رسمی خزانه شهرداری واریز نماید. از یک مقطع زمانی به بعد (گفته می شود سال های ۸۵-۸۶) مدیریت شهری تصمیم دیگری اتخاذ می کند. بر اساس تصمیم جدید، به فرآید B که برای پرداخت عوارض خود به شهرداری مراجعه کرده است، گفته می شود که لازم نیست پول نقد عوارض به حساب خزانه واریز شود.

به فرآید A هم توصیه می شود که طلبت را به صورت نقدی دریافت کند (البته دریافت نقدی به دلیل محدودیت مالی شهرداری صرفا برای عده محدودی امکان پذیر است). تا اینجا داستان، توصیه به دریافت غیر نقدی طلب تبدیل به یک رانت برای معاون اداری - مالی یا شهردار منطقه و فرد طلبکار می شود. در نتیجه، "تهاتر" به عنوان راه حل دریافت طلب از فرد بهنگار و پرداخت بدهی طلبکار موضوعیت پیدا می کند. شهرداری برای اینکه فرد A و B به هم تلافی پیدا کنند، در ابتدا (سال های اولیه) برخی افراد (که چهره ی معروفی است) به عنوان نقش کارگزار (چفت دهنده این معامله) و بعدا شرکتی با مشارکت بانک ها به عنوان کارگزار تاسیس می نماید که در واقع نقش واسطه را بازی کنند (بخوانید مانند نقش بنگاه املاک مسکن)

حاصل فرآید کنید همسان فرآید A، ۱۰ میلیارد تومان بابت ارائه خدماتی (مثلا پروژه عمرانی) به شهرداری طلب دارد. این فرد به شرکت کارگزاری معرفی و از شرکت تقاضای پول نقد می کند. شرکت کارگزاری مبلغ دو میلیارد تومان از این مبلغ را کسر کرده و ۸ میلیارد تومان به وی پرداخت می کند. (طلبکار بابت اینکه توانسته طلب خود را وصول کند خوشحال می شود)

شرکت کارگزاری این ۸ میلیارد را از کجایی آورد؟ شهرداری متعلقه از فرآید B (که به شهرداری بدهکار است) می خواهد که پول عوارض خود را به جای واریز در خزانه رسمی شهرداری به حساب شرکت واگذار و واریز نماید. یعنی در واقع این پول توسط فرد B تامین شده است. سازمان املاک شهرداری برای نهای کردن این فرآیند به مبلغ ۸ میلیارد تومان هولوگرام برای فرد B صادر کرده و در نتیجه با طلب فرد A کارسازی و برپراسازی می شود. در روش بالا فرد B نه سود می برد و نه زیان. اما روش های خاص دیگری نیز وجود دارد که بر اساس آن فرد B کمتر از ۸ میلیارد تومان پرداخت می کند یعنی در واقع برای فرد A و B و شرکت کارگزار برآورد - برخواهد بود (این روش خاص آدم های خاص است). (این یادداشت را که مینوشتم، یاد جمله بروشنفکری اقدام که می گفت در جوامع بافته دعوی نخبگان بر سر بزرگ کردن "کیک اقتصاد" برای همه ای حاد جامعه هستند، اما در جوامع غیر توسعه یافته دعوی نخبگان بر سر سهم بری بیشتر از "کیک اقتصاد" برای خودشان است).

معنای آنچه در پروسه تشریح شده در بالا آمده، این است. ۱- احتمالا پروژه های عمرانی با هزینه بالاتر از حد معمول و منطقی انجام شده است. (رانت اول)

۲- زمانی که پول به حساب رسمی خزانه شهرداری نمی رود یعنی برنامہ و بودجه سالانه مصوب شورای شهر تعطیل

و در نتیجه نظارت بر آن تعطیل (فساد اول)
۳- پول بزرگ و قابل توجه (هزاران میلیارد تومان در طی این سالها) در این میان بدون ردگیری و صرفا بر اساس کارسازی و سندسازی در این شرکت ها به جیب عده ای خاص رفته است. (رانت بزرگ)

حال شهردار جدید تهران به گفته ی خودش "به منظور رفع ابهامات و اشکالات صدور و کارسازی هولوگرام، دستورالعمل (بخش نامه) ۵۹۵۵۵ صادر کرده است. آنچه که در عمل در نتیجه صدور این دستورالعمل (بخش نامه) اتفاق می افتد به صورت زیر است:

۱- یک استیقا و توقف برای صدور هولوگرام ایجاد می شود؛ این مساله بدین معناست که به عنوان مثال اگر فرض کنید در منطقه یک ۵۰ نفر کار اصلی ساخت و ساز را انجام می دهند. تعدادی از اینها که هولوگرام در دست دارند بلا تکلیف می شوند.

۲- بر اساس این دستورالعمل بنا بر این است که در خصوص هولوگرام های قبلی رانستی آزمایی شود. این می تواند بخشی از زوایای پنهان این پدیده را در صورت درست عمل کردن روشن سازد.

۳- قوی تر این بخش ترین بند این دستورالعمل (بخش نامه)، بند شماره ۳ یعنی واریز بدهی مودیان به حساب خزانه شهرداری می باشد.

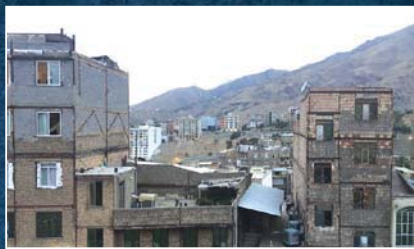
اهالی به تخریب کامل خانه ها رضای شده اند

کوجه "پناهی" که راه دسترسی به تعدادی از کوجه های بن بست و شایب بالا را امکان پذیر می سازد، با تعدادی گلدان گل و گیاه بلند که مشخص است رسیدگی زیادی به آنها می شود زمین شده است. هر کدام از گلدان ها با قفل و زنجیر به لوله های روکار فاضلاب بسته شده و همسایه ها هر کدام به سهم خودشان از این گلدان ها مراقبت می کنند. اهالی این کوجه و کوجه های مجاور تنها راه بهتر شدن فضای ظاهری محیط زندگی شان را در این کار دیده اند که گرچه راه توپ بازی و پسر بچه ها را گرفته است اما اهالی تعویض گاه بی گاه گلدان های شکسته را ترجیح می دهند. مردم محله به مقفود شدن و سبقت گلدان ها عادت کرده اند و دیگر حتی اعتراضی به این گونه سبقت های خرید ندارند. تیر های چراغ برق بسیار فرسوده و چوبی این کوجه و دیگر کوجه های پارکی که امکان تردد خودروهای سواری و سنگین در آن فراهم نیست تصاویر زشتی را نشان می دهند. هر کدام از کوجه های روکار برای این بچه های بازیگوش و حرف گوش نیک خطری بزرگ است. حتی به گفته اهالی، سیم های برق هر ساله قربانی و مصدومانی از کودکان می دهد. بعضی از تیرهای چراغ برق کج شده اند و با یک بار نندگی، باد و وزله امکان سقوط دارند.

مریم تقفی حدود ۴۰ سال سن داشته و پیش از ۲۵ سال است که در این محله سکونت دارد. او شکایت زیادی از مشکلات نابه سامان و حل نشدنی محل و بیگیری و فایده و فراموش شده خواسته های به حق مردمی دارد... «سالهای سال است که از شهرداری درخواست سبیدهای کوچک زباله داشتیم که در سطح کوجه های تنگ چانمی و قابل حمل یا تخلیه باشد اما همچنان شاهد راه و تلنبار شدن زباله در کوجه هستیم و ماشین بزرگ حمل زباله هم امکان وارد شدن به حرم کوجه را ندارد».

از طرفی بارها به صورت حضوری یا تلفنی صدای اعتراضشان را از طریق ۱۳۷ به گوش مسوولان رسانده ایم که برای پیاده راه سازی یا سنگ فرش کردن مساله اقدام کنند اما گویا صا ایمان به جایی نمی رسند؛ چه طور می شود که تمام سطح محله جماران یا مرغه نشین گلایدره ۸ مساحت مناسب و سنگ فرش دارد اما این بخش از محله از امکانات حداقلی برخوردار نیستند؟ مگر ما شهروند منطقی یک سیستمی؟ اگر شهروند منصوب نمی شویم خوب برای تخریب خانه ها اقدام کنند و از ابتدا ساخت و ساز کنند، باور کنید اهالی هم خسته نشدند و به تخریب خانه هایشان رضایت دارند. انقدر خانه ها فرسوده هستند که حتی نمی توانیم بنایی کوچکی برای تعمیر و نوسازی انجام دهیم... تا به امروز شهرداری از کمترین خواسته اهالی که چانمی گلدان در سطح محلات بود هم سر باز زد و برخی خودشان با گلدان های خانگی ابتکاراتی به خرج داده اند که البته به خاطر سبک بودن گلدان ها، ارادل و اوباش زیادی آنها را سبقت می کنند.

این شهروند محله "گلایدره" با مدبر عامل آب و فاضلاب و اداره آب و برق به صورت حضوری در مورد مشکلات محدود صحت کرده و قانع شده است که حل بسیاری از معضلات و رفع محدودیت ها امکان پذیر نیست... «سازمان آب و فاضلاب اعلام می کند که تنگ بودن معابر و فرسوده بودن خانه ها امکان کندن و حفاری را فراهم نمی کند و امکان ریزش خانه ها و دادن تلفات زیاد است. اداره آب و برق هم اعلام می کند که امکان ورود جر قفل برای تعویض تیرهای چراغ برق و جمع آوری کابل های فرسوده وجود ندارد. چانمی پمپ آب، تنها اقدامی بود که آن هم با دعوا، اعصاب و زرد خورد برای اهالی انجام شده که البته همچنان مشکل افت فشار آب شرب وجود دارد. خودم و همسرم تمایل زیادی از محلات اینجینی در کشورهای اروپایی را دیده ایم که مسوولان محلی و حاکمیتی از آن به عنوان جذب گردشگر و توریست استفاده کرده اند در حالیکه این محدوده با وجود مستعد بودن و داشتن ظرفیت های مناسب در حال نابودی و تخریب است...»



از آسفالت بی کیفیت تا بله های گرم خورده

با وجود خوش آب و هوا بودن "گلایدره ای" که به یازدگر دگر سرگران است، قدم زدن در کوجه پس کوجه های محله حال و هوای خوبی ندارد؛ به بالا آسمان که نگاه می کنی، کابل های برق آویزان و ستون های سر به فلک کشیده چوبی تیر چراغ برق، لذت دیدن آسمان صاف را تلخ می کند. به زمین که نگاه می کنی، سیمانی بودن معابر، گرم خوردگی بله ها، ماندن جای چرخ های موتور، فرفرون و اثر کشش بزرگ و کوچک اهالی روی زمین و آسفالت های کند شده چشمانت را آزار می دهد... «شهرداری به جای دریافتن آسفالت گرم، از آسفالت یخ سرد برای معابر فرعی استفاده می کند و نتیجه همین معضلاتی می شود که الان می بینید...» پسر جوانی که به مهندس محله معروف و سناک کوجه "آرکید" است نسبت به کیفیت نامناسب آسفالت توضیح می دهد: «شهرداری تهران هر چهار سال یکبار یاد اهالی محروم "گلایدره" می کند و برای آسفالت معابر اقدام می کنند اما متأسفانه از آسفالت و مواد اولیه درجه سه یا چهار برای لکه گیری اقدام کرده و دوباره همان سال شاهد کندن معابر و ظاهر نامناسب هستیم. در حالیکه تردد در معابر فرعی بسیار سخت است و در زمان بارش برف و باران امکان لیز خوردگی، آب گرفتگی و مسدود شدن معبر بیشتر است. مشکل دیگر باز بودن نهرهای جاری و یا پوشاندن آن با ورق های چوب یا سیمان است که خطر لیز خوردگی زیاد داشته و تا به امروز مصدومان زیادی به ویژه در کوجه "پناهی" یا "الفت" در میان افراد سالخورده و کودکان داده است؛ کاش ماموران شهرداری زمان بارش برف سری به محله بزنند و از نزدیک نظارت کنند که تردد در این معابر در زمان های معمولی چه قدر سخت بوده و چه برسد به زمان بارندگی که کل محله را خانه نشین می کند.



دسترسی به خیابان های فرعی با اعمال شاقه

قدم زدن در خیابان های اصلی مثل "زبردست" یا "گودرزی" برای عابران پیاده کمی به سختی صورت می گیرد، معابری که تبدیل به پارکینگ شده یا حتی برخی از خودروها به صورت دوپل بارک کردند و ترافیک زیادی ایجاد کرده اند. در خیابان نه جدولی وجود دارد و نه مسیری برای تردد عابران پیاده. دکان های کوچکی، بقالی، صصابی، خیاطی، پارچه فروشی، سلمانی و حتی تعمیرگاه های برف و آسند خودرو و هایز در این خیابان اصلی قرار دارند. در مسیر عبوری خیابان "گودرزی" کوجه های فرعی زیادی مثل آرکید، ترگس، سسیدی، شادهر، سسینی پور و قرار دارد که برای رسیدن به هر یک این کوجه های فرعی باید بیش از ۸۰ پله بلند را بالا و پایین کرد. شاید این موضوع مطرح شود که تردد افراد معلول و ولجهر سوار در این محدوده چه طور صورت می گیرد، اما به خوبی می توان فهمید که حتی عبور و مرور افراد کم سن و سال نیز با اعمال شاقه صورت گرفته و بسیاری از افراد سن و سال دار را هم خانه نشین کرده است.

اسدی، پیر مرد ۷۵ ساله که در خیابان "گودرزی" ساکن است، انگشت اشاره اش را به سمت پله های بلند بالای کوجه های فرعی می گیرد: «شاید تردد افراد جوان و دست و پا دار از ۸۰ پله کار ساده ای باشد اما بسیاری از افراد سالخورده، پیر و کودکان توان رفتن و آمدن و دسترسی به خیابان اصلی را ندارند. به خوبی مشخص است که به دلیل شیب بلند پله ها، بالا رفتن از پله های نهای بسیار سخت می شود به طوری که بینسانی و صورت افراد با پله بر خورد می کند. تا به حال یاد ندارم که شهرداری برای آسایشن تکمیل یا شین و ماسه در زمان بارش برف در این محدوده اقدامی کرده باشد بلکه همسایه ها و هم محلی ها به نوبت برای حفظ سلامت همسایه ها اقداماتی انجام می دهند. این پله ها در زمان بارندگی نیز کارکرد اصلی خود را از دست داده و تبدیل به آبنمایی بر فشار می شود که در این صورت تردد را کاملاً با مشکل و بن بست روبه روی می کند. با اینحال مردم همیشه در زمان بارندگی یا پایین آمدن از این پله ها، که تنها راه عبوری شان برای رسیدن به کوجه های فرعی است، متحمل خسارت زیادی می شوند. پیچ خوردگی یا شکستگی دست و پا در این محدوده بسیار اتفاق افتاده است و خانواده های زیادی را نگران نگاه داشته است...»



دعوی همیشگی بر سر جای پارک

اگر در محله "گلایدره" دعوا با کتک کاری بچه های قد و نیم قد بر سر زمین بازی یا یلغ بازی های کودکان ناشی از نبود زمین مناسب برای کودکان است، بزرگ ترها در طول روز با شین بر سر جای پارک عریضه کتبی، دعوا، کتک کاری یا حتی چاقو کشی می کنند؛ از آنجا که امرام معاش تعداد زیادی از ساکنان از راه رانندگی، مسافرا کشی و مشاغل آزاد است، تمام محله ۴۵ هزار نفری به گونه ای از نبود پارکینگ محله ای در عذاب هستند. خانواده های زیادی به خاطر نبود پارکینگ و سخت بودن تردد در کوجه های یلکانی صاحب موتور هستند و تردد شان در سطح کوجه های پارک بسیار خطرناک است. خانواده های صاحب خودرو هم هر روز با به دنبال جای پارک مناسب در خیابان اصلی (زبردست) هستند تا به یاد از ساعت ها قبل از پرس شدن ظرفیت تنها پارکینگ محله یعنی پارکینگ واقع شده در سه راه "گودرزی" آجر بگذارند و به دوست و آشنا برای گرفتن جای پارک سفارش کنند. اهالی محله "گلایدره" که هر روز با مشکل پارکینگ روبه ر هستند یا شاهد جریب و دعوی همیشگی ساکنان در این زمینه بودند معتقد هستند که پارکینگ "گودرزی" توانایی طبقاتی شدن داشته و این پارکینگ جویگویی تعداد بالای خودروهای موجود نیست و محله به پارکینگ های محلی روبروا و امن بیشتری نیاز دارد. وجود زمین های رها شده در سه تاسر محله که محلی برای استقرار ارادل و اوباش شده است، یکی از نقاط امید اهالی برای احداث پارکینگ محله ای است که متأسفانه برای مالکین صرفه مالی و واگذاری این زمین ها به شهرداری وجود ندارد.



تا این جا مساله قابل تقدیر و قابل بذورش است، اما نکته یا سوال کلیدی این است که آیا تا این حد از برخورد با مساله را می توان "بخشنامه ی ضد فساد شهردار" نام نهاد؟ پاسخ این است که خیر، به عبارت روشن تر اگر اقدامات تکمیلی صورت نگیرد اطلاق این عنوان ناقص است.

اگر بنا باشد بعد از کشف میزان هولوگرام ها و افراد و جریانات پشت این قضیه بعدا همین روش در دوره شهرداری جدید با افراد و شرکت های جدید ادامه یابد، این بدین معناست که به صورت ساختاری با فساد برخورد نشده است، بلکه صرفا جای ادم ها عوض خواهد شد. بنابراین می توان گفت اگر شهردار تهران به عنوان یک قدم تکمیلی "مسدود هر گونه هولوگرام" را برای همیشه ملغی نماید، نگاه اطلاق "بخشنامه ی ضد فساد و ضد رانت شهردار" زینده ی این اقدام خواهد بود.

این روزها که بحث خرید تبت برای اعضای شورا تبدیل به اولویت اصلی برخی افراد و جریانات شده است، به نظر رسید مقایسه ای بفرمایید بین رانت میلیاردری تولید شده در فرایند هولوگرام ها و این تبت ها. نکته ها این نتیجه می رسیم که در مساله مبارزه با فساد و رانت نباید عوام فریبی کرد.

رابطه میزان اختیارات مالی - معاملاتی شهردار تهران و مساله نظارت شورا و لزوم کاهش آن

تحقق یافتن کار کرد نظارتی شورا در اداره مالی شهرداری تهران با بودجه ی قریب به ۲۰ هزار میلیارد تومان، مستلزم وجود رابطه ی روشن و نظارت پذیر بین شورا و شهردار از حیث کمیت و کیفیت تفویض اختیارات مالی - معاملاتی می باشد. این رابطه دارای ابعاد و پیچیدگی های جدی است. در این نوشتار کوتاه می گوئیم مولفه ی «میزان اختیارات مالی شهردار تهران» و اثرات آن بر مقوله «نظارت شورا» را مورد بحث قرار داده و راه حلی پایدار ارائه نماییم. سه نوع اختیارات در حوزه «معاملاتی» شهردار تهران داده شده است:

- ۱- اختیاراتی که به صورت ذاتی قانون به شهردار داده است.
- ۲- اختیاراتی که بر اساس مصوبه تیرماه سال ۷۸ (هفته های اول نخستین دوره شورا مصوبه «تفویض برخی از اختیارات شورای اسلامی شهر به شهردار تهران یا مقام مجاز از طرف وی») به شهردار تهران داده است.
- ۳- اختیاراتی که تبصره بودجه هر سال در قالب لایحه بودجه به شهردار تهران می دهد.

اعداد و ارقام بودجه سال جاری نشان میدهد که گاهی میزان این اختیارات به ۸۰ تا ۸۰۰ میلیارد تومان میرسد که این میزان چندین برابر اختیارات وزراء (حداقل اختیارات شهردار در معاملات، ۲۳ برابر یک وزیر) می باشد. فلسفه و دلیل قانونگذار برای افزایش اختیارات به شهردار «تسهیل امور» بوده است. تجربه چهار دوره شهردار از نقطه نظر مساله «فساد» و «رانت» نشان می دهد که این اختیارات فراینده و فراوان در دوره شهرداران قبلی شهر تهران، یکی از دلایل شکل گیری این پدیده در شهر و شهرداری بوده است (مثال های متعددی از این پدیده در سالهای قبل قابل ارایه می باشد). به عبارت دیگر، زمانی که مساله «فساد» و «رانت» جدی و تبدیل به یک معضل فوری می شود، اهمیت آن در مقام مقایسه با مساله «تسهیل امور» بیشتر می شود. به نظر می رسد که شورا ای پنجم باید دو معادله فوق (اولویت مبارزه با فساد و رانت با تسهیل در امور) را بررسی مجدد و به نقد و نظر کارشناسان قرار داده و تصمیمی جدید متناسب با شرایط و نیازهای امروز شهردار تهران در این مقوله اتخاذ نماید. این رو، به شورا پیشنهاد می شود طرح دو فوریتی «بازنگری اختیارات مالی - معاملاتی شهردار تهران» را در دستور کار خود قرار داده و مساله ی نظارت خود را در مهمترین حوزه عمل شهرداری تهران تثبیت نماید.

دروازه های قدیمی تهران در تسخیر معناتان

یک زمانی خیابان «ری» و میدان «شوش» برای خود برویایی داشت. قرار گرفتن دروازه های قدیمی شاه عبدالعظیم در خیابان «شوش» باعث شده بود تا این خیابان قدیمی که در چهار طرف خود محله هایی مانند دروازه غار (هرندی)، کوثر، و... را داشت و تنها دروازه ورودی پایتخت در جنوب تهران محسوب می شد، این محدوده را به یک بافت مسکونی و اقتصادی بزرگ تبدیل کرده بود. محله ای که فقط چند صد متر با قلب تاریخی بازار فاصله دارد. با گذشت ۲۰ سال از عمر پایتخت شدن تهران کافی بود تا نام این محله به معضلات اجتماعی اش شناخته شود نه به تاریخی که در دل خود جای داده است. این روزها دیگر از ماشین دودی میدان شوش که زائران حرم شاه عبدالعظیم را سوار می کرد خبری نیست. اینجا تا چشم کار می کند معنات است و اعتیاد جنگل های خود را در تار و پود این محله فرو کرده است. منطقه ۱۲ تهران که امروزه به عنوان قلب اقتصادی و فرهنگی تهران می تپد با مشکلات مهمی در زمینه کالبدی و اجتماعی مواجه است. مدیریت شهری در سال های اخیر به طور جدی در صدد رفع مشکلات این منطقه است و می گویند آن را با عنوان بافت تاریخی تهران نگهداری و احیاء کند. محله «کوثر» در جنوب شرق منطقه ۱۲ به دلیل همجواری با محله «هرندی» و میدان «شوش» به آسیب های اجتماعی زیادی مبتلا شده است. خیابان هایی مانند ری، خراسان، شوش، و... همه و همه با قدمتی چندین ساله در اذهان ساکنان، یادآور گذشته ای برونق و باشکوه بوده اند. رفته رفته این معضلات تبدیل به سرنوشته غالب محله و خیابان های اطراف شدند. سرنوشته ای که به دنبال این تغییرات برای محله «کوثر» و پارک «کوثر» رقم خورده است ناعا شده و وضع آن به مشکلاتی فراتر از فضای مخصوص به این خیابان گریخت.

کم رنگ شدن حیات اجتماعی خیابان به دنبال هجوم معناتان به بوستان های این محله باعث شد که حیات اجتماعی خیابان هرچه بیشتر به خطر بیفتد و تعداد بیشتری از خانواده های قدیمی از این محله کوچ داده شوند. این موضوع علاوه بر محدوده پیرامونی خیابان «ری» یکی از مهم ترین تهدیداتی بود که در منطقه ۱۲ تهران رخ داد و هم اکنون به عنوان یکی از بزرگترین مسائل مطروحه در برنامه های چشم انداز آتی این منطقه سعی در چاراندیشی در این زمینه می شود.

فرسودگی مثل خوره جان محله «کوثر» را می خورد

وارمحل «کوثر» که می شویم؛ هنوز نام مسجد «رزاده» و محله ای به این نام تنها افتخاری است که ساکنان این محله آسیب زده از آن به نیکی یاد می کنند تا شاید یادآوری محله ای که زمانی به محله اعیان نشین ها معروف بود، جز کمین معضلات اجتماعی را در ذهن هر تازه واردی کم رنگ نکند. «مسجد معروف «رزاده» یکی از مسجدهای قدیمی شهر تهران است که در این منطقه قرار دارد. سال ها کتر زنجانی پیش نماز این مسجد بوده است و نقش زیادی در جریانات انقلاب داشته است...» این ها را آقای تقفی مدیر محله «کوثر» می گوید تا پیش در آمدی باشد برای مرثیه ای که به دنبال آن می خواهد از محله «کوثر» بازگو کند: «این محله ۲۰ هزار متر مربع وسعت و ۲۸ هزار نفر جمعیت دارد که در این میان جمعیت زنان از مردان در این محله بیشتر است. دلیل این عدم توازن نیز وجود خانواده های بی سرپرست در این محله است. خانواده هایی که طلاق گرفته اند و یا توجه به امام معناتان محله در نتیجه خانواده های بی سرپرست نیز در این محله زیاد است...»



بافت فرسوده در پیجه ای برای ورود به دامن اعتیاد

وارمحل «کوثر» که می شوید، لازم نیست کوچه به کوچه به دنبال بافت فرسوده بگردید چرا که در این محله به رغم نوسازی هایی که در سال های گذشته در برخی از خیابان های این محله انجام شده است، به سادگی رخ می نماید... به دلیل ریزدانی که خانه های این محله در دردم رغبتی به ساخت و ساز ندارند، ساخت و ساز در این محله متوقف شده است... گویا بافت فرسوده و اعتیاد و معضلی هستند که در این محله در قلب تاریخی تهران با یکدیگر رابقت تنگاتنگی دارند. حضور خیال عظیم معناتانی که با ششول مصرف مواد مخدر هستند و یا بعد از مصرف آن در حال نشنگی هستند در خیابان «لب خط» یا خیابان شهید «یزدی»، ابتدای خیابان شهید «حداد عادل» و «قدیری یزدی» واضح ترین نمایشی است که هر بیننده ای را از دیدن آن به هراس می اندازد.

هنگامی که خیابان «کوثر» بنا بر اسناد باقی مانده تاریخی یکی از محله های قدیمی و البته تاریخی پایتخت محسوب می شود. محله ای که در دل خود اولین ایستگاه ماشین دودی را جای داده است. با وجود قدمت تاریخی، حال این محله اصلا خوب نیست. دیگر رهگذران به دنبال ردیابی از تاریخ کهن ایران در دل این محله که زمانی برای خود بر رویایی داشت نمی گردند. بلکه با دیدن صف طولانی معناتانی که در کنار دیوارها به خلسه بعد از مصرف مواد فرو رفته اند به دنبال راه فراری برای ندیدن این همه معضلات اجتماعی درک جامی گردند. این روزها بافت فرسوده، خانه های رها شده، راسته لاستیک فروش ها و معناتانی که علفی مواد مصرف می کنند، مصائب و مرثیه ناممندی است که در این محله سروده می شود. اگر یک زمانی خیابان «لر زاده» به یکی از خیابان های اعیان نشین تهران قدیم معروف بود اما همین خیابان این روزها در چهار سوی خود معضلات اجتماعی را تجربه می کند.

معضلاتی که فرار از دل این محله را تنها راه حل برای داشتن زندگی بهتر ساکنان قدیمی است.



راسته لاستیک فروش ها!

یکی دیگر از مشکلات محله ما وجود راسته لاستیک فروش هاست. «یکی از مشکلات عمده ما همین مغازه هاست بحث قاچاق لاستیک هایی است که در آن را می توان در برخی از مغازه ها دید... در اینجا برخی از فروشندگان ها با کهنه کاری های جدید روی لاستیک های صاف شده آن را در قالب جنس دست دوم تمیز به خریداران می فروشند... حتی برخی از مغازه ها در توزیع و فروش مواد مخدر ورود پیدا کرده اند... لاستیک فروش ها یکی از محله «کوثر» و پیاده راه های این محدوده، ایه اشغال خوشان در آوردند... این راسته نه تنها نفع اقتصادی برای محله ندارد بلکه بیشتر ضرر اجتماعی دارند... راسته لاستیک فروش ها از میدان «شوش» شروع می شود و به داخل محله می رسد و از قرار معلوم تا کنون هم شهرداری منطقه ۱۲ نتوانسته این صنف را داخل محله «کوثر» ساماندهی کند. خیابان «حداد عادل» نیز بر از مغازه های لاستیک فروشی است که پیاده و محله را تحت اشغال خود در آورده اند. در اینجا پیاده و معنایی ندارد... حتی با اتحادیه لاستیک فروش ها وارد صحبت شدیم اما اثری نشد...»

راسته لاستیک فروش ها و معناتانی که علفی مواد مصرف می کنند، مصائب و مرثیه ناممندی است که در این محله سروده می شود. اگر یک زمانی خیابان «لر زاده» به یکی از خیابان های اعیان نشین تهران قدیم معروف بود اما همین خیابان این روزها در چهار سوی خود معضلات اجتماعی را تجربه می کند.





پادشاهت
طرح های یک فوریتی و دو فوریتی
یک ابزار مناسب در اختیار شورا
برای اعمال قانونگذاری و نظارت
شورای باشد

وقتی آقای رییس حامی معاون شهر دار می شود

هزینه ۴۰۰ میلیون شهر تهران برای هر جلسه شورای شهر باید از دو کانسال قانونگذاری و نظارت بر شهرداری نهایتا به صورت یک خروجی مشخص و قابل ارزیابی به نفع مردم و حل مسائل و مشکلات آنها منتظر شود.

این چهار چوب مبین این است که جلسه شورا را باید از زاویه نظارت کارآمد و قانونگذاری مطلوب مورد بررسی قرار داد. در همین چهار چوب جلسه ای هفتم واحد مختصت زیر است:

الف) یک بخش از جلسه امروز به مانند جلسات قبل به معرفی نمایندگان شورا در مجامع مختلف اختصاص یافت:

۱. در موضوع انتخابات نمایندگان شورا در ستاد سمن هاراستاد هماهنگی سازمان های مردم نهاد) هم مباحث مطرح شده، من جمله اینکه "ستاد سمن ها" موضوع تویچ پول نباید باشد" و گستره در کردن چتر و ایجاد ساختار کارآمد برای آنها" قابل قبول بود و هم افراد نسبتا مناسبی را انتخاب کردند.
۲. در بحث انتخاب نماینده ای شورا در بند اجرایی ماده ۸ قانون نوسازی و عمران شهری در خیابان «بیخجال» محله زاده به چشم می آید، موتور من داخل خانه بود و پلتری موتور زور در زده بودند. ماه پلیس امنیت گزارش داده بودیم و کاری نکردند. مالمعنا هاسر خیابان بیخجال ایستاده اند و اموال دزدی را می خرند. نیروی انتظامی توجهی به این محله ندارد کلاکتری های ۱۱۶ و ۱۵۹ و ۱۱۴ در این محدوده وجود دارد و کاری انجام نمی دهند در حالی که در مناطق دیگر حزه استحقاقی کلاکتری های بیشتر است و کاری بیشتری دارند».

معاونت معماری و شهرسازی شهردار به صورت خودخواسته در جلسه حاضر و پشت تریبون قرار گرفت. وی با پوششی تکنیکی و فنی (که آنها محل نقد است) سعی کرد به شورا بقیه ماند چه فردی و با چه کیفیتی را به عنوان نماینده شورا در این کمیسیون انتخاب شود. این نوع نگاه با بالا به شورا، امتداد وضعیتی است که توسط مدیران شهری این روزها در مسأله انتصاب هاد در حال رخ دادن است.

جالب اینکه یکی از خانم های عضو شورا به این رفتار اعتراض کرد، اما با حمایت رئیس شورا از معاون معماری و شهرسازی به نوعی از مواضع خود عقب نشینی کرد. از این رو از منظر موفقه نظارتی در این بخش انتقادات جدی به شورا وارد است.

ب) تذکرات اعضاء که به نوعی تجلی کارکرد نظارتی شورا است، چندان قابل توجه نبود. فقط تذکر معاون نظارت شورا در خصوص «واگذاری برخی املاک به افراد و اشخاص بدون اطلاع و مصوبه شورا» قابل توجه بود که متأسفانه وی به دلیل ناملومی که به نظر می رسد با هماهنگی رئیس شورا باشد، اطلاعات زیادی در این خصوص ارائه نکرد و بیشتر حالت تهدید گونه داشت.

ج) طرح های یک فوریتی و دو فوریتی یک ابزار مناسب در اختیار شورا برای اعمال قانونگذاری و نظارت شورا می باشد. معمولا طرح های دو فوریتی که در اولین جلسات هر دوره شورا ارائه می شود به نوعی نماد نوع نگاه و اولویت آن شورا می باشد.

شورای پنجم اولین طرح دو فوریتی خود را به ارائه «گزارش ۱۰۰ روزی توسط شهرداری در خصوص ۱۲ گذشته اختصاص داد. نکته قابل توجه در این بحث این بود که تعدادی از اعضاء این شکل از ارائه طرح دو فوریتی به دلیل روشن نبودن ابعاد و اهداف طرح مخالف بودند و اینگونه به نظر رسید که بدون بحث افتاعی قابل قبولی در فضایی عجله شورا به آن رای داد.

ب) در چند جلسه اخیر شورا، رئیس شورا ارائه گزارش توسط مدیران شهرداری را در دستور جلسه گنجانده است. تاکنون سه گزارش از این نوع در دستور کار شورا قرار گرفته است.

یکی از ارائه گزارش توسط مردم مطالبات شهرداری در خصوص برنامه سوم توسعه بود که عملا توسط اعضاء اجازه ارائه نیافت، دیگری گزارش مربوط به عملکرد شهرداری در مراسم اربعین بود که خروجی روشنی به جز برخی انتقادات نداشت.

در جلسه امروز نیز گزارش عملکرد شهرداری در میزبان باسفيد بالک ها ارائه شد که بیشتر به گزارش آموزشی شباهت داشت و خروجی ملموسی نداشت. از این رو در خصوص این بخش از جلسه شورا نیز نمی توان ارزیابی روشنی ارائه کرد.

نکته عجیب، طرح این مطلب توسط رئیس شورا بود که عنوان کرد بدلیل تذکر یک عضو شورا در جلسه قبل، این موضوع به جلسه امروز آمده بود. به نظر می رسد شورا در این بخش استراژی و برنامه مشخصی ندارد.

بقیه موضوعات مطرح شده در جلسه امروز مانند حضور نمایان و چند دقیقه ای وزیر کار در جلسه شورا و سایر موارد ارزش قضاوت و ارزیابی چندان ندارد...

سا به شوم خانه های فرمز بر سر محله «کوثر»

خانه های خالی از سکنه معضل دیگری این محله است که معتمدان در آن سکونت کرده اند... از شهرداری خواسته بودیم تا این خانه ها را تملک کنند اما این کار انجام نشد. تعداد این خانه ها در محله زیاد است... خانه های بزرگ رها شده در محله زیاد است به دلیل وضعیت محله مالکان رغبتی به نوسازی ندارند و این خانه ها پاتوق معتمدان شده است. در این محله بالای ۵۰ خانه آسیب دارد و چون دارد... این املاک رها شده ملک های خوبی هستند اما چون رها شده اند به یک معضل تبدیل شده اند. برخی از این خانه ها داخل کوچه هاست و داخل طرح قرار گرفته است و مالکان برایشان نمی صرفد که بسازند. نزدیک به خانه های قرمز در محله وجود دارد که مرکز فساد هستند. خیلی از این خانه ها مانع همسایه ها را برده اند...

دبیر شورایی محله «کوثر» اعتقاد دارد اگر این خانه ها نابار می شد با خیالمان راحت بود اما این خانه ها رها شده است. خانه هایی که تبدیل به انبار شده در این محله زیاد است. به شهرداری گزارش خانه های قرمز را داده ایم اما کاری نمی کنند فقط می آیند بازدید می کنند می روند... معتمدان از بالای دیوار ها در این خانه های شونده...

وضع خراب کاسبی در محله «کوثر»

کسبه محله «کوثر» دلیل وضعیت خراب کاسبی در این محله را افزایش آسیب های اجتماعی در این محدوده می دانند... یکی از مشکلات محله معضلات اجتماعی آن است که به دلیل کم شدن رفت و آمد کار و کاسبی هوایبده است. من در این محله تولیدی دارم و کسب و کار رونقی ندارد...



ویروسی به نام عدم امنیت محله را فرا گرفته

اینجا هیچ کسی امنیت ندارد. در این حرف بیشتر شهروندی است که در محله «کوثر» به ویژه در بخش هایی که آسیب های اجتماعی در آن زیاد است... کیفی های قوی و موایلی در دهان زیاد است. روزی دو تا سه تا موایلی داخل همین خیابان دزدیده می شود... یک و پروس وارد «شوش» شده است و منطقه اگر ته است... ویروسی عدم امنیت که از ساعت ۷ شب به بعد مردم جرات بیرون آمدن از خانه ها را ندارند... این عدم امنیت در خیابان «بیخجال» محله زاده به چشم می آید... موتور من داخل خانه بود و پلتری موتور زور در زده بودند... ماه پلیس امنیت گزارش داده بودیم و کاری نکردند... مالمعنا هاسر خیابان بیخجال ایستاده اند و اموال دزدی را می خرند... نیروی انتظامی توجهی به این محله ندارد کلاکتری های ۱۱۶ و ۱۵۹ و ۱۱۴ در این محدوده وجود دارد و کاری انجام نمی دهند در حالی که در مناطق دیگر حزه استحقاقی کلاکتری های بیشتر است و کاری بیشتری دارند».



رونق اقتصاد کثیف زیر پوست خیابان «شوش»

اینجا دزد ها به راحتی موایلی ها و کیف های مردم را می زنند... محله ما به محله معدها تبدیل شده است. در «لر زاده» که محله اعیان نشین های قدیم بوده است هم معتمدان نفوذ کرده اند اما نیروی انتظامی به این مسائل اهمیت نمی دهند... اینجا مثل آهن ربای ماند و تمام معتمدان از همه جای تهران در این محله جمع می شوند... دلیل جذابیت هم از زمانی به وجود آمد که پارک «شوش» ساخته شد... قبلا به جای این بوستان قهوه خانه ها بودند و ما فکر می کنیم که آن زمان بهتر بود چون کسبه در این محدوده بودند و اجازه جولان دادن را به معتمدان نمی دادند... معتمدان آنقدر زیاد شدند که نمی توانند آنها را جمع کنند... ما فکر می کنیم که باید داخل این محله جمع شوند... این افراد ابتدای خیابان ها به ویژه خیابان «درخنده» ایستاده اند و اموال دزدی را از معتمدان می خرند و یا با مواد معاوضه می کنند... یک زنجیره اقتصاد کثیف در این محله به وجود آورده است که از میدان شوش تا لب خط ادامه دارد... دهانمان بسته است نمی توانیم در مورد عدم امنیت حرف بزنیم...

«اینجا معتمدان را می گیرند و به گر مخانه می برند صبح هار می کنند دوباره به محل می گردند... اگر معتمدان را ساماندهی کنند و فروشنده ها را دستگیر کنند این اتفاق دیگر نمی افتد... الان ریسمان جمع آوری معتمدان از دست نیروی انتظامی در رفته است... قبلا همین معتمدان داخل خانه های محله هرندی زندگی می کردند اما زمانی که این خانه ها خراب شده است در کل محله های منطقه پخش شده اند».

جای خالی فعالیت های اجتماعی در محله «کوثر»

اهالی محله «کوثر» اعتقاد دارند که شهرداری منطقه هیچ طرح اجتماعی و فرهنگی در محله شان بر گزار نکرده است... طبق تاکید شهرداری تهران باید سطح فرهنگی و اجتماعی محله های دچار آسیب توسط معاونت اجتماعی باید را تقا بید کند... در حال حاضر تمامی برنامه های فرهنگی توسط معاونت اجتماعی شهرداری منطقه تنها در سرای محله انجام می شود و داخل محله ها کاری انجام نمی دهند... زمانی که یکی از مدیران شهرداری در سرای محله سخنرانی داشته باشند پرچم نصب می کنند... ما باها با شهردار منطقه جلسه داشته ایم اما این جلسات هم بدون نتیجه به پایان می رسد... شهرداری تهران با هزینه زیاد طرح انضباط شهری را در محله هرندی اجرا کرد تا رسانه ها را به سوی خود جلب کند... این هار اهالی محله عنوان می کنند... اجرای این طرح باعث شد تا جیب یک عده پیمانکار هم پر پول شود و مشکلات این محله و محله های اطراف نیز حل نشد...

طرح ترافیک بالای جان ساکنان محله «کوثر»

یکی دیگر از معضلات محله «کوثر» قرار گرفتن آن داخل محدوده طرح ترافیک است... اینجا خانواده ها خود را دارند و این طرح مانع از تردد خودرو می شوند و همین عدم رفت و آمد باعث مهاجرت از این محله می شوند و یا روی پلک می پوشانند...



حال میدان «شوش» خوب نیست

کاسب معزازه تعویض و رغنی از مای خود هاست تا معضلات میدان «شوش» را رسانه ای کنیم... بدترین نقطه تهران محدوده میدان «شوش» است ۱۰ سال است که این معضل علنی شده است... ۲۰ سال قبل اینطور نبود و همه کاسب ها به خاطر این معضل ضرر کرده اند به چه کسی بگویم که معتمدان مقابل و یا کنار مغازه من مواد مصرف می کنند و بوی بد آن وارد مغازه ام می شود؟ نمی توانم با آنها درگیر شوم چون این افراد بیمار هستند... این مساله وی کسب و کار من هم تاثیر گذاشته است... یک روز یک ماشین مدل بالا به مغازه من آمد و در دست در همین زمان معتمدان با هم دعوا می کردند و شیشه هم دیگر را تهدید می کردند با اینکه دوست راننده با شیشه این معتمدان برید... طرف می گفت من کجا آمدم از کار من راضی بود اما وجود معتمدان باعث شده تا کسی به اینجا نیاید... من خواهش می کنم به گوش مسئولان برسانید که من کاسبی هستم که از ۸ صبح تا ۸ صبح اینجا کار می کنم و اگر در این مغازه را ببندم ۵ خانواده ضرر می بینند روزها این راسته پر از زن می شود و شمایی توانید در بین زنان معتمد ختران جوانی را ببینید که از ۱۲ تا ۸ ساله هستند و مواد مصرف می کنند وقتی به تنگنای آید تن خود را برای مواد در همینجا می فروشند...

جرات سر و کله زدن با معتمدان را ندارم

این مغازه تعویض روغنی نزدیک به ۵۰ سال است که در ابتدای خیابان شوش شرقی فعالیت می کند و انطو که صاحب جوشش می گوید خودش ۲۵ سال می شود که در این مغازه کار می کند... جرات سر و کله زدن با معتمدان را ندارم... از صبح تا حال ۲۰ بار به شهرداری تماس گرفته ام تا بپایه راه را که معتمدان داخل آن دستنوبی می کنند بشوید اما هیچ اقدامی انجام ندادند... من تنها می توانم جلوی مغازه خود را بشویم همین الان به ۱۲۷ زنگ می زنم که بگیری به من می دهد و فر داه به سن زنگ می زند که آیا ماموران شهرداری برای شست و شوی به این محدوده آمده اند یا خیر؟ همین...

صدای ما را به گوش رئیس جمهور برسانید

ابتدای خیابان «شوش شرقی» جولانگاه معتمدانی است که در کنار خیابان به راحتی مواد مصرف می کنند... وارد این خیابان که می شویم گویی این محدوده خارج از گره قانسون و قواعد زندگی شهری ای می شود... ابتدای این خیابان یک مغازه تعویض روغنی یک مدرسه دخترانه قرار دارد و معتمدان در آن سوی پاده راه به راحتی زندگی شیشه روزی خود را به لای شمشادها جوی خیابان انجام می دهند... به سراع صاحب مغازه تعویض روغنی که می روی مشغول خواندن نماز ظهر است... سلام که می دهد در دلدش بازی می شود و از مصیبت های کار در لایه لای معتمدان می گوید... چیزی از حدود ۱۰ سال است که معتمدان در این راسته زیاد شده اند... قبلا اینگونه نبود و الان تعداد آنها بیشتر شده به این دلیل که توزیع مواد مخدر در این محدوده بیشتر شده است... مواد فروشان در این محدوده زیاد هستند... خب زنبور هم دنبال لونه اش می گردد... مرد لاغر اندامی است با لباس کار... اما سال هاست که حضور معتمدان رونق کسب و کار را از مغازه او و زده است... معتمدان این جرات نمی کنند به حریم من وارد شوند... اجازه نمی هم و سا آنها هم در گیر نمی شوم... واقعا کار کردن در این محدوده با حضور این افراد باعث شده تا احساس خطر کنم... مردها جرات نمی کنند ماشین خود را برای تعمیر به اینجا بیاورند چه برسد به خانم ها... وقتی کسی اینجا می آید با دین معتمدان پایه فرامی گذارند... من ۲۵ سال است که در این خیابان کاسب هستم و رنگ شیشه را رانیدم... اما با تارک شد هوا منجموریم که در مغازه ای بنشینم...

این کاسب به مدرسه دخترانه ای اشاره می کند که در دست در کنار مغازه اش قرار دارد... یک مدرسه دخترانه در کنار مغازه من هست که دانش آموز زیادی ندارد به این خاطر که خانواده ها جرات نمی کنند تا فرزندانشان را به این مدرسه بفرستند... گاهی اوقات من ۲۰ بار به کلاکتری ۱۱۶ تماس می گیرم و اعلام می کنم که معتمدان در مقابل مدرسه دخترانه جمع شده اند... اما توجه نمی کنند... برخی از خانواده های که اشتباهی ندارند از من سوال می کنند وقتی وضعیت را می بینند فرار می کنند... خانواده هایی که بوجه ندارند منجمور هستند به اینجا بیایند تا فرزندانشان خودشان را ثبت نام کنند...



سکونت ۱۰۰۰ خانوار بی بضاعت در محله «کوثر»

از گزار معلوم تعداد خانواده های بی بضاعت نیز در محله «کوثر» زیاد است... اینجا خانواده های سرپرست و بد سرپرست وجود دارد... چند مرکز خیریه در محله داریم که این خانواده ها را تحت پوشش قرار می دهند... در محله ما بالای ۱۰۰۰ نفر محتاج نان شب هستند... این خانواده های هستند که خدومان ششامایی کرده ایم... اعتیاد باعث از دست دادن سرپرست خانواده می شد... طلاق و فوت سرپرست خانوار نیز دلیل دیگری است که این خانواده ها در محله زاده باشند...

با تخفیف ۵۰٪

همین حالا مشترک شوید!



eshterak.ir

طرح اشتراک نشریات



شهر بانک شهر

نوآوری در خدمت

Shahr-bank.ir

سامانه نظارت و ارتباطات مردمی ۰۲۱-۸۶۵۵



پشت فرداها شهر است

شهرت # خدمات بانکی # ۲۴ ساعته # شهر هوشمند

با پیشخوان های شهرت به فردای بانکداری قدم بگذارید